«صنعتی شدن» بهره‌کشی جنسی، جهانی شدن امپریالیستی و سقوط به اعماق جهنم

ریموند لوتا

گروه مترجمین حزب کمونیست ایران (م ل م)

«صنعتی شدن» بهره‌کشی جنسی،
جهانی‌شدن امپریالیستی و سقوط به اعماق جهنم

ریموند لوتا

۲۰ اکتبر ۲۰۲۱

گروه مترجمین حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست)

فهرست

پیشگفتار.....۱

بخش اول

مقدمه: یادداشتی برای روشن‌کردن موضوع ۲

بخش دوم

واقعیت‌هایی مهم در مورد تجارت جهانیِ بهره‌کشی جنسی ٤

بخش سوم

نگاه اولیه به عوامل اقتصادی – اجتماعی که موتور محرکهٔ به حاشیه رانده شدن و استیصال زنان جهان سوم است.....۸

بخش چهارم

لنز را عقب‌تر بکشیم: سلب مالکیت، بیرون راندن و جمعیت «مازاد» در جهان سوم.....۱۳

بخش پنجم

به شرح‌های اَی و مری (AYE AND MARY) از سقوطشان به جهنم گوش می‌دهیم ... و کابوسی که پناهندگان روهینگیا با آن مواجه‌اند.....۲۱

بخش ششم

یادداشتی دربارهٔ عقلانی‌سازیِ «کار جنسی» و سقوط به قعر جهنم ۲٤

بخش هفتم

ترافیک سکس به عنوان جزء مهم اقتصاد غیر قانونی جهانی که در بیست سال گذشته رواج گسترده داشته است ۲۷

بخش هشتم

سکس، ندیمه‌ها و فرایند صادرات... ظهور «گردشگری جنسی» ۲۹

بخش نهم

فرهنگ انگلی، حق به جانبی خشن مردانه و تن‌فروشیِ جهانی‌شده ۳۷

منابع و توضیحات..... ۴۱

تصاویر..... ۴۶

پیشگفتار

تحلیل باب آواکیان از تغییرات عمده اجتماعی – اقتصادیِ جهانی و مبارزات اجتماعی در ۵۰ سال گذشته محرکِ نوشتن این مقالهٔ پژوهشی بوده است. این تغییرات منجر به جابه‌جایی‌ها در ساختار طبقاتی و تحولات سیاسی- ایدئولوژیکی، به ویژه ظهور فاشیسم شده است. به طور مشخص، بخش زیر از آن تحلیل گسترده نقطه عزیمت من بوده است:

«در جهان سوم، بخش وسیعی از کشاورزیِ متشکل از مزارع کوچک ویران شده و جمعیت شهری افزایش چشمگیر یافته است (در ایالات‌متحده و برخی دیگر از کشورهای امپریالیستی نیز این اتفاق افتاده است) و شمار بزرگی از این جمعیت شهری قادر به اشتغال در «اقتصاد رسمی» نیست. این امر همچنین موجب رشد اقتصاد غیرقانونی و باندهای متکی بر این اقتصاد غیر قانونی شده که (به ویژه در کشورهای جهان سوم) کارتل‌های درگیر در تجارت مواد مخدر و همچنین ترافیک[1] انسان هستند که به طور خاص شامل قربانی کردن شنیع زنان و دختران در تن‌فروشی و «صنعت سکس» است که به معنای واقعی زنان را به بردگی جنسی کشیده است.(۱)

این مقاله ابعاد رشد جهانی تن‌فروشی و ترافیک زنان به درون تن‌فروشی را بررسی کرده و قوای محرکهٔ کلیدی و عوامل تاریخی را که محرک این رشد جهانی بوده را تحلیل می‌کند.

۱- همانطور که در ادامه لوتا توضیح می‌دهد، ترافیک انسان Human trafficking با قاچاق انسان Human smuggling علی‌رغم هم پوشانی‌ای که با یکدیگر دارند، به دو روند متفاوت اطلاق می‌شود. ترافیک انسان، خرید و فروش غیرقانونی و بعضاً اجباری کودکان، زنان و مردان برای کار اجباری و یا بهره‌کشی جنسی را شامل می‌شود. در حالی است که قاچاق انسان، شامل ارائه برخی خدمات غیرقانونی برای عبور داوطلبانهٔ افراد از یک کشور به کشور دیگر است. در فارسی تا جایی که ما می‌دانیم برای ترافیک معادل قاچاق را قرار می‌دهند اما به دلیل تأکید لوتا بر تفاوت این دو و به این خاطر که معادل مناسبی نیافتیم، همان واژهٔ اصلی را قرار دادیم. (م)

بخش اول. مقدمه: یادداشتی برای روشن کردن موضوع

استثمار جنسی تجاری زنان (و دختران و پسران جوان) به ابعاد وسیعی رسیده است. آنچه مؤدبانه «صنعت جهانیِ سکس» یا «تجارت جهانی سکس» خوانده می‌شود، تبدیل به بخش سودآوَری از اقتصادهای ملی کشورهای مختلف و به طور کلی، بخش عظیمی از اقتصاد امپریالیستی جهان شده است. «صنعت سکس» شامل روسپی‌خانه‌ها، خیابان و تن‌فروشی اسکورت[1]؛ کلوب‌های استریپ و سالن‌های ماساژ؛ پورنوگرافی؛ تن‌فروشی مرتبط به نظامی‌گری؛ و سایت‌های «گردشگری جنسی» در جهان است.

در اقتصاد جهانی امپریالیستی که به طور فزاینده‌ای درهم ادغام و هرچه نابرابرتر شده است، این «صنعت»، زنان کشورهای فقیر جهان سوم را به دام می‌اندازد و آنان را به کشورهای ثروتمند امپریالیستی ترافیک می‌کند؛ این زنان جهت بهره‌کشی جنسی توسط نظامیان و باندها دزدیده شده یا فروخته می‌شوند؛ یا در نتیجه کارکردهای ستم‌گرانه و معوج‌سازِ توسعه‌ای که امپریالیسم در کشورهای تحت‌سلطه‌اش پیش می‌برد، به خاطر بقاء و به عنوان استراتژی بقاء به درون تن‌فروشی کشیده می‌شوند.

مقیاس و دهشت این بهره‌کشی جنسی توسط دو عامل مهم پوشیده می‌شود: یکی مادی و دیگری فرهنگی-ایدئولوژیک.

در وهلهٔ اول با طرق پیچیده و درهم برهم قانونی و غیر قانونی در زمینهٔ عرضه و بازاریابی و پولی‌کردنِ بهره‌کشی جنسَی جهانی مواجهیم: مکانیزم‌های پرداخت اینترنتی، انتقال ارزهای خارجی از طرف «کارگران جنسی» خارج از کشور به حکومت‌های جنوب جهانی، شرکت‌های مخابراتی که «سرگرمیِ» پورنوگرافیک ارائه می‌دهند، صنعت بین‌المللیِ «هتل تفریحی» که متصل است به «گردشگری جنسی» و در حال گسترش است و شرکت‌های هواپیمایی که

۱- Escort prostitution شکلی از تن‌فروشی است که متقاضی با شماره«شرکت» مربوطه تماس می‌گیرد و دختران جوان را برای انجام خدمات جنسی و «سرگرمی» «سفارش» می‌دهد. استفادهٔ مکرر از گیومه، تنها نشان از عاجز بودن زبان از توصیف این میزان شناعت و وحشت است. (م)

ایـن گردشـگران را حمـل و نقـل می‌کننـد، بانک‌هایی که بـه این بخش‌ها سـرمایه می‌دهنـد، افـرادی کـه ترافیک انسـان می‌کننـد و «محمولـه» آن‌ها به طـور همزمان بـه زنجیره‌هـای تأمیـن نیـروی کار ارزان جهـان و بهره‌کشـی جنسـی تجـاری خدمـت می‌کند.

دومین عامل پوشـانندهٔ این اسـتثمار آن اسـت که تحقیر و تخریب جنسـی و انقیاد خشـونت‌آمیز زنـان هرچـه بیشـتر بـه عنـوان یـک پیشـفرضِ حیـات اقتصـادی و فرهنگـی عادی سـازی شـده اسـت: به عنـوان مُد، به عنـوان پورنوگرافـی پردرآمد، بـه عنـوان «آمـوزش جنسـی»، بـه عنـوان شـغل. انقیـاد جنسـی، بـا یـک گفتمـان سیاسـی–فکری زهرآگیـن و مسـموم بـه عنـوان نمـودِ «انتخـاب» و «فعلیـت» زن توجیـه می‌شـود. تجـاوز، تهدیـد و اجبـار بـه عمـل جنسـی و تحقیـر جنسـی در داخـل بسـته‌بندی گروه شـغلی «کار جنسـی» قرار داده شـده و پوشـانده می‌شـود.

مقالـه بـر ایـن درک اسـتوار اسـت کـه «**کار جنسـی» در واقـع کالایی کـردن تحقیر جنسـی و انقیـاد جنسـی سـازمان‌یافتهٔ زنـان، تحت سـلطهٔ مـردان اسـت** و فرقی در جوهـر مسـاله نمی‌کنـد کـه آیـا ایـن «کار جنسـی» از سـوی خود فـرد یـا دیگران بـه عنـوان «توافـق» یا «عـدم توافق» گـزارش داده شـده اسـت. مقالـه، واقعیتِ این حکـم را اثبـات می‌کنـد و در جریـان تحلیـل بـه طـور خلاصـه بـه ایـن موضـوع می‌پـردازد کـه چـرا مفهـوم «کار جنسـی» مفهومـی عمیقـاً و بـه طـرزی شـرم‌آور گمراه‌کننـده و مضـر اسـت.

بخش دوم: واقعیت‌هایی مهم در مورد تجارت جهانیِ بهره‌کشی جنسی

***بر مبنای ارزیابی‌های جاری، شمار زنان تن‌فروش در جهان ٤٠ میلیون نفر است که ۷۵ درصد از آنان در فاصلهٔ سنی ۱۳ تا ۲۵ هستند.**(۲) ترافیک انسان برای سکس در عرضهٔ زنان برای تجارت بین‌المللیِ بهره‌کشی جنسی، مؤلفه‌ای حیاتی است. ترافیک بین‌المللی انسان برای سکس، اشاره دارد به برده کردن انسان‌ها از طریق دزدیدن، اعمال زور، ارعاب، کلاه‌برداری یا فریب و حمل و نقل افراد از مرزهای یک یا چند کشور است.

«صنعتی شدن تن‌فروشی» اشاره دارد به شرایطی که این بهره‌کشی (توسط شرکت‌های قانونی و شبکه‌های غیرقانونی) تبدیل به تجارتی در مقیاس کلان، سازمان یافته و فشرده شده است و مستعد «بسط گستردهٔ جهانی» است.(۳) جهانی‌سازی امپریالیستی به طور گسترده «همه چیز» را – از انسان‌ها تا اشیاء و طبیعت و افکار را -- «کالایی می‌کند» و کاتالیزور ترافیک بین‌المللی انسان‌ها بوده است که به واسطهٔ آن انسان‌ها قیمت‌گذاری شده و با کشتی‌های باری حمل و نقل شده و به فروش می‌رسند.

می توان هم به زبان اقتصاد سیاسی علمی و هم با استعاره‌ای ترسناک از «زنجیره تأمین» سخن گفت که زنان و کودکان را برای استثمار و بردگی جنسی به بازار عرضه می‌کند.

***در دههٔ ۱۹۹۰، بهره‌کشی جنسی تجارتی در کشورهای فیلیپین، مالزی، تایلند و اندونزی نزدیک به ۲ تا ١٤ درصد درآمد ملی را تشکیل می‌داد.** (٤) در دههٔ ۱۹۹۰، تخمین زده می‌شد که در تایلند نزدیک به ۲۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار «کارگر جنسی» زیر ١٦ سال وجود داشت.(۵)

***تخمین سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که در چین نزدیک به ٦ میلیون تن‌فروش وجود داشت در حالی که در سال ۱۹۸۵ این رقم فقط ۲۵ هزار نفر بود.** سرنگونی سوسیالیسم و احیای سرمایه‌داری در چین در سال ۱۹۷٦ و متعاقب آن تجدید ساختار سرمایه‌دارانهٔ روستاهای چین منتهی به قطب بندی اقتصادی

و اجتماعی در مناطق روستایی چین شد که بار اصلی آن بر روی دوش زنان افتاد. این زیر و رو شدن به بزرگ‌ترین مهاجرت در تاریخ از روستا به شهر نیز خدمت کرد. فحشاء در چین به شدت در کرانه‌های ساحلی آن که با سرعت رشد کرده‌اند، متمرکز است و زنان مهاجر روستایی منبع عمدهٔ تأمین انسان برای بازار استثمار جنسی هستند.

***نزدیک به ۷۰ درصد از قربانیان ترافیک انسان برای سکس، در آسیا هستند.** کشورهای صدر لیست عبارتند از هند، چین، پاکستان، تایلند و بنگلادش.(۷)

***هنگامی که در سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱ اقتصادهای بلوک سوسیال امپریالیستی شورویِ سابق فروپاشیدند، نتیجه‌اش این بود که منبع جدید و عمده‌ای از زنانی که مستأصلانه به دنبال کار بودند به وجود آمد ... و این‌ها به تور شکارچیان بین‌المللیِ انسان افتادند.** بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ حدود **نیم میلیون** زن اوکرائینی برای بهره‌کشی جنسی به کشورهای غربی ترافیک شدند.(۸)

***در اوایل دههٔ ۲۰۰۰ در کشور فرانسه، ٦۰ تا ۷۰ درصد تن‌فروشان از میان مهاجرین و بیشترشان مهاجرین آفریقایی و اروپای شرقی بودند.** نیجریه و غنا دو کشور آفریقایی هستند که شمار زیادی از قربانیان ترافیک انسان برای بهره‌کشی جنسی، از آن جا به اروپا آورده شده‌اند. این زنان بارها فروخته شده‌اند و در حراج‌ها بر رویشان قیمت زده شده است، در اردوگاه‌های تعلیماتی «آماده‌سازی» شده‌اند، به لحاظ بدنی و روحی درهم شکسته شده‌اند و به سطح برده‌هایی تقلیل داده شده‌اند که طرف سومی مالک آن‌هاست و توسط دلال تن‌فروشی کنترل می‌شوند.

***در سال ۲۰۱٦ کل تعداد قربانیان برده‌داری مدرن، یعنی کل تعداد کسانی که در دام ترافیک انسان بوده‌اند** و رصد شده‌اند، **بیش از ٤۰ میلیون برآورد شد که ۷۰ درصدشان زنان و دختران هستند.** نزدیک به ۲۵ میلیون نفر در کار اجباری ترافیک شده‌اند و ۱۵ میلیون نفر در ازدواج اجباری. **در گروه‌بندی کار اجباری، نزدیک به ۵ میلیون انسان که ۹۹ درصدشان زن و کودک هستند با جبر به درون** بهره‌کشی جنسی **ترافیک شده‌اند. از این‌ها بیش از یک میلیون نفر کودک**

هستند. (۱۰)

توجه: شرایط خاص افراد ترنس جنسیت و افراد به اصطلاح به لحاظ جنسیتی «نامنطبق»[۱] در کشورهای امپریالیستی و جهان سوم و آسیب پذیری آن‌ها در برابر ترافیک جنسی و خشونت فیزیکی-جنسی در تحلیل‌های آیندهٔ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

***چنانچه ترافیک انسانی را با مقدار درآمد اندازه‌گیری کنیم باید بگوییم که بزرگترین فعالیت مجرمانهٔ جهان پس از تجارت مواد مخدر و جعل اسکناس، ترافیک انسان می‌باشد.** (۱۱)

***ترافیک انسان برای بهره‌کشی جنسی به شدت سودآور است. بهره‌کشی اجباری جنسی در دههٔ ۲۰۱۰ سالانه بالغ بر ۹۹ میلیارددلار درآمد داشت.**(۱۲)

پژوهشگری که مشاور سازمان‌ملل در زمینهٔ برده‌داری مدرن است، در مصاحبه‌ای که در روزنامهٔ بریتانیاییِ آبزرور در سال ۲۰۱۹ انجام داد یافته‌ها و ارقامی ارائه داد که انسان را خشمگین و دیوانه می‌کند. طبق برآورد وی، «نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در ترافیک انسان برای سکس» حدود هزار درصد است (۱۰۰۰٪) در حالی که در مقایسه با آن «نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در ترافیک انسان برای بهره‌کشی در کار ساختمان، کشاورزی یا معدن پایین است». این سودآوری عظیم مرتبط است با «این فکت که قربانی را می‌توان روزانه بیست بار فروخت و با استفاده از هر قربانی ده‌ها هزار و چه بسا صدها هزار دلار سود تولید کرد.»(۱۳)

***در سال ۲۰۱۸، در ایالات‌متحده آمریکا نزدیک به ۹۰۰۰ مرکز سونا و ماساژ غیرقانونی فعالیت داشت.** در آمریکا، «صنعت» غیرقانونیِ ۲/۵ میلیارد دلاری سالن‌های ماساژ با سرعتی شتابان در حال رشد بوده است.(۱٤) این «صنعت» منبع عمدهٔ «تقاضا» برای ترافیک زنان و دختران برای بهره‌کشی جنسی بوده است که این ترافیک هم در داخل آمریکا و هم از کشورهای دیگر جهان به

۱- gender non-conforming اصطلاحی است که به افرادی اطلاق می‌شود که جنسیت، رفتار و پوشش‌شان با هنجارهای جنسیتی که نگاه معمول از آن‌ها انتظار دارد انطباق ندارند. (م)

سوی آمریکا انجام می‌گیرد. قربانیان ترافیک به داخلِ ایالات‌متحده به طور موثق مشخص نیست. برخی برآوردها حاکی از آن است که سالانه ۵۰ هزار زن و کودک از آسیا، آمریکای لاتن و اروپای شرقی به داخل ایالات‌متحده ترافیک می‌شوند و مجبور می‌شوند به عنوان خدمتکار یا روسپی کار کنند.(۱۵) اکثر قربانیان ترافیک که گزارش شده‌اند از چین و کره جنوبی هستند.(۱۶) در داخل ایالات‌متحده دختران جوان اغلب هنگام فرار از دست والدین و خویشاوندان متجاوز به دام شبکهٔ ترافیک انسان می‌افتند.

بخش سوم: نگاه اولیه به عوامل اقتصادی- اجتماعی که موتور محرکهٔ به حاشیه رانده شدن و استیصال زنان جهان سوم است

انقیاد جنسی زنان، یک ویژگی تاریخی و ساختاری از جامعهٔ استثمارگرانه و طبقاتی و مردسالار است. اشکال خاص انقیاد زنان و جلوه‌های مشخص آن در تقسیم کار جنسیتی، ریشه در شیوهٔ تولید غالب دارد و با سنت، فرهنگ، قانون و خانوادهٔ مردسالار برهم‌کنش دارد.

«صنعت جهانی سکس» پدیده‌ای معاصر است و نمی‌توان آن را به سادگی یا عمدتاً ادامهٔ روسپی‌گریِ «قدیمی» دانست که اکنون در جامعهٔ مردسالار مدرن تداوم یافته است. به طور خاص، **این شکل از انقیاد و تحقیر جنسی زنان عمیقاً به واسطهٔ کارکردهای امپریالیسم متأخر به مثابه یک سیستم جهانیِ استثمار و به واسطهٔ عوامل اجتماعی- فرهنگیِ متصل به این سیستم جهانیِ سرمایه‌داری- امپریالیسم، شکل گرفته است و به درجهٔ بسیار عظیمی به واسطهٔ این کارکردها و عوامل اجتماعی- فرهنگی تقویت شده و در مقیاس جهانی درهم تنیده شده است.** یکی از شاخص‌های تعیین کنندهٔ انباشت سرمایه در این سیستم جهانی استثمار، شکاف میان کشورهای ثروتمند سلطه‌گر و کشورهای فقیر تحت‌سلطه است که شاخص‌های آن غارت منابع در جهان سوم، نفوذ در بازارهای آن و فوق استثمار کارگران است.

۱- دست‌اندازی بر زمین، روستای فقرزده و زنان

تضعیف و نابودی اقتصادهای معیشتی سنتی در جهان سوم، در جایی که مردم برای تأمین نیازهای خانواده و ضرورت‌های بقای محلی به کشاورزی می‌پردازند و کار می‌کنند، تأثیر به سزایی بر زنان داشته است و آنان را تبدیل به خدمتکاران، ساکنین بومیِ آواره، مهاجرین روستا به شهر، شهرستان به شهر، از شهر به شهری دیگر با فرصت‌های شغلی محدود و ورود به سیل مهاجران جهانی کرده است ... و گاه زیر فشارِ زندگی، قربانی این «صنعت» شده یا این که قربانی ترافیک انسان شده‌اند. از بین رفتن دهقان و کشاورز، عامل اصلی

در ایـن وضعیـت بوده اسـت. از دسـت دادن زمین‌های دهقانی و کشـاورزی عامل اصلـی بوده اسـت.

در دهـهٔ ۲۰۰۳-۲۰۱۳ بیـش از ۸۱ میلیون آکر زمین در جنوب جهان به سـرمایه‌گذاران خارجـی، اعـم از شـرکت‌های بـزرگ و دولتـی فروخته شـد و این کمابیـش برابر با مساحت کشـور پرتغال است.

بخـش عمـده‌ای از زمین‌هـای تصـرف شـده (که بـه عنـوان تحصیـل مالکیت‌های مقیـاس بـزرگ تعریـف شـده اسـت) تبدیل بـه مـزارع صنعتی بـزرگ شـده‌اند که محصـولات تجـاری ماننـد روغن پالم، سـویا و سـایر محصولات غذایی سـودآور را اغلـب بـرای صـادرات تولیـد می‌کننـد. برخـی از ایـن «دسـت اندازی»هـا برای تولیـد سـوخت‌های بیـو (ماننـد نیشـکر) یـا بـه منظـور درخـت کاریِ «جبرانـی» اسـت کـه تبدیـل بـه بیزنس سـودآوری شـده اسـت (ایـن یک بـازی تَقلبی اسـت که شـرکت‌ها و کشـورهای امپریالیسـتی به تولید و مصرف سـوخت فسـیلی ادامه می‌دهنـد و آن را بـا درخـت کاری در جنـوب جهانـی «جبـران» می‌کننـد). برخـی از ایـن زمین‌خواری‌هـا صرفـاً سـرمایه‌گذاری سـوداگرانه در انتظـار افزایش قیمت زمین اسـت.

توجه: دو سـوم معامله بر سـر زمین‌های کشـاورزی در کشـورهایی صـورت گرفته اسـت کـه با ناامنـی غذایی جدی روبه‌رو هسـتند.

در بیشـتر نیمـهٔ دوم قـرن بیسـتم، سـرمایه‌گذاری دولت‌هـا در جهـان سـوم در سدسـازی و راهسـازی، گسـترش صنایع، اسـتخراج کانی‌ها از معادن، نقش بسـیار مهمـی را در بیـرون کـردن دهقانـان از روی زمین‌هایشـان داشـته اسـت. ایـن کار بـا حمایـت مالـی و تشـویق بانـک جهانـی و صنـدوق بین‌المللـی پـول صـورت گرفتـه اسـت و این‌هـا نهادهـای مالـی هسـتند کـه امپریالیسـت‌ها بـر آن‌ها تسـلط دارنـد. جدیدتریـن تهاجـم زمین‌خـواری نشـان دهندهٔ آغـاز مـوج دوم جابه‌جایی و آوارگـی در جنـوب جهانـی اسـت کـه تحت عنـوان «توسـعه» در جریان اسـت.

بی‌زمینی در حال گسـترش اسـت زیرا بسـیاری از کشـاورزان معیشـتی (کشاورزی معیشـتی بـه تولیـد مـواد غذایی بـرای مصرف یـا تولید بـرای فـروش جهت حفظ

خانوار گفته می‌شود) فاقد مالکیت قانونی (سند) بر زمین‌هایی هستند که رویشان کشاورزی کرده اند. سایر دهقانان و کشاورزان، با پشتوانهٔ دولت از زمین‌هایشان اخراج شده‌اند. زنان از فعالیت‌های سنتی ماهی‌گیری و جمع آوری دانه بیرون رانده شده‌اند. در عین حال، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای تحت‌سلطه وام‌هایی می‌دهد که شرط عمومی شان این است که کشاورزی از مسیر قبلی و تولید نیازهای غذاییِ معیشتی و محلی دور شده و به سمت صادرات محصولات ویژه صادراتی مانندِ محصولات صادراتی و پرورش گل و غیره برود.

تمام این‌ها باعث شده که زنان روستایی به لحاظ اقتصادی هرچه بیشتر به حاشیه رانده شوند. این نیروهای اقتصادیِ مختل‌کننده، در تداخل با روابط فرودستیِ زنان که از قبل وجود داشت و شکل‌های جدیدی از تبعیض جنسیتی که اضافه شده، بار و فشارهای جدیدی را بر زنان اعمال کرده است.

فقر روستایی؛ تغییر و تحولاتی که بیزنس‌های بزرگ کشاورزی {اگرو بیزنس} به وجود آورده و تولیدکنندگان خرد کشاورزی را نابود کرده‌اند (در این مورد در بخش سوم بیشتر توضیح خواهم داد)؛ فشارهای زیست محیطی بر زمین، آب و منابع؛ جنگ‌های نظامی و غیره موجب برهم خوردن عمیق کار سنتی و الگوهای سنتی خانواده و مهاجرت‌های عظیم انسان‌ها از روستاهای جنوب جهانی شده است.

۲- فحشاء و اقتصاد شهریِ غیر رسمی

تن‌فروشی در اشکال قانونی و غیرقانونی، به عنوان کار اجباری یا «داوطلبانه»، عنصری جدایی‌ناپذیر از اقتصاد غیررسمی جهانی است. در اقتصاد غیررسمی در کشورهای تحت سلطهٔ جنوب جهانی، عمده شکل اشتغال و بقاء، کارِ بدون مقررات و نامنظم است. در این کشورها، تن‌فروشی در شهرک‌هایِ حاشیه و سکونت گاه‌های غیر رسمی، در کنار مجتمع‌های کارخانه‌ای، پلانتاژهای کشاورزی و در اطراف سایت‌های گردشگریِ در حال گسترش (در کنار راهنمایان گردشگری، فروشندگان مواد مخدر، دستفروشان خیابانی و

دیگـران) یافـت می‌شـود. همه می‌داننـد که شـرکت‌های معـدن‌کاری و چوب‌بریِ خارجـی، شـهرک‌های تن‌فروشـی را بـه عنـوان ارائـهٔ «خدمـات» بـه کارگـران آنَ مناطـق، راه‌انـدازی می‌کننـد. مناطـق ویـژهٔ اقتصـادی (یـا فرآوری‌هـای صادراتی) کـه بـه سـرمایهٔ خارجـی خدمـات می‌دهنـد از مراکـز اصلـی تن‌فروشـی بوده‌اند. آن‌هـا در حـال حاضـر، حـدود ٤٠٠٠ مکان هسـتند.(۲۰)

در بمبئـی کـه دومیـن شـهر بـزرگ هنـد اسـت، زنـان مهاجـر روسـتایی در روسـپی‌خانه‌ها و در خیابان‌هـا خدمـات جنسـی می‌فروشـند. امـا یکـی دیگـر از شـیوه‌های «مبادلـه» رایـج در بازارهـای کار غیررسـمی روزمـزد اتفـاق می‌افتـد که سـایر فعالیت‌هـای درآمـد زا مانند سـاختمان و خدمـت کاری در خانه‌ها را عرضه می‌کننـد. تـلاشِ تن‌فروشـان بـرای تغذیه خود و خانواده‌هایشـان در شـهرها، برای دسترسـی بـه سـرپناه و آب در فضایـی از آزار و اذیـت پلیسـی و تخریـب بی‌وقفهٔ سـکونت‌های غیـر قانونـی صـورت می‌گیـرد.(۲۱)

۳- مهاجرت، ترافیک انسان و فحشاء

ریشـه‌کن شـدن اقتصـاد معیشـتی در جهـان سـوم و «جاذبـهٔ» مشـاغلِ درآمـدزا و بـا ثبـات در بخش‌هایـی از مناطـق خـاص جهـان، بـه ویـژه در اروپـای غربـی و آمریـکای شـمالی، کارگـران فقیر را بـه درون جریان‌های مهاجرت و قاچاق انسـان کشـیده اسـت. قاچـاق مترادف با ترافیک انسـان نیسـت زیـرا ترافیـک در برگیرندهٔ بـه دام انداختـن و برده‌کردن اسـت؛ هرچند قاچـاق و ترافیک انسـان درهم تداخل می‌کننـد.

مهاجـرت بـه ورای مرزهـا، تبدیـل بـه یـک اسـتراتژی بقای اساسـی در میـان زنانی شـده اسـت که توسـط کشـاورزی تجاری {اگروبیزنس}، بحران اقلیمـی، جنگ‌های منطقـه‌ای و داخلـی و فقـر فوق‌العـاده از اقتصادهـای سـنتی کنـده می‌شـوند. ایـن جریان‌هـای مهاجـرت بـه نوبـهٔ خـود باعـث شـده‌اند کـه منابـع بالقـوهٔ عرضـهٔ «برده‌هـای جنسـی» بـه قیمـت پایین‌تـر «رو بـه افزایـش رود».

(در اوج «بحـران پناهندگـی» در فاصلـه سـال ۲۰۱۵-۲۰۱۷ در اروپـا، قاچاقچیـان واسـطهٔ ۹۰ درصـد از مهاجـرت «غیـر رسـمی» به اروپـا و گذر سـخت از مرزها به

سوی امنیت و حیات بودند).(۲۲)

کار در ماورای بحار توسط کارگران جهان سوم همچنین منبع «حواله»های پولی (بخشی از درآمدشان) است که به خانواده‌ها در کشورهایشان می‌فرستند. مقالهٔ «انگل‌وارگی امپریالیستی و صورتبندی طبقاتی-اجتماعی در ایالات‌متحده آمریکا» نقشی که حواله‌های پولی کارگران مهاجر و مهاجرت در اقتصاد امپریالیستی جهان بازی می‌کند را مستند کرده و نشان می‌دهد که مقدار آن حتا بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در اقتصاد کشورهای تحت‌سلطه است.(۲۳)

تقاضای شدید و جستجوی بی‌وقفهٔ نیروی کار ارزان در درون کشورهای تحت سلطهٔ جهان سوم و تقاضا برای نیروی کار ارزان از آن کشورها، یک نیروی محرکه در ترافیک انسان در عصر مدرن می‌باشد. تقاضای نیروی کار ارزان انگیزهٔ اصلی عملیات سندیکاهای جنایی است که ترافیک انسان را «تنظیم» کرده و اجرایی می‌کنند. هیچ اقتصاد جهانی، هیچ «زنجیرهٔ تأمین» امپریالیستی بدون جریان یابی نیروی کار ترافیک شده وجود ندارد. در همه جا هستند: در ساختمان، کارخانه‌های تولیدی، صنعت «میهمان‌نوازی»، کشاورزی و ماهی‌گیری. فعالیت‌های اقتصادی «قانونی» و «غیرقانونی» به طور فزاینده‌ای در اقتصاد جهانی امپریالیستی در هم تنیده شده است.

به این چرخهٔ معیوب در حوزه استثمار جنسی فکر کنید: زنی تایلندی به عنوان خدمتکار برای کار در خارج از کشور استخدام می‌شود. سپس او را به کشورهای دیگر ترافیک می‌کنند و او را مجبور می‌کنند که «کار سکس» کند ... او برده می‌شود. اگرچه بیشتر «درآمد» تن‌فروشی او به یک دلال یا کسانی که او را ترافیک کرده‌اند اختصاص داده می‌شود، او می‌تواند مقداری از بودجه را برای خانواده‌اش در روستایشان بفرستد. به طور خلاصه، پول به اقتصاد تایلند بازگردانده می‌شود و به تقویت اقتصاد این کشور در «بخش روسپی‌خانه» کمک می‌کند (در این مورد در بخش نهم بیشتر خواهم گفت).

چنین است ماتریکس باطل توسعه وابسته و تحت‌سلطهٔ امپریالیسم.

بخش چهارم. لنز را عقب‌تر بکشیم: سلب مالکیت، بیرون راندن و جمعیت «مازاد» در جهان سوم

اگر رشد و جهانی‌شدن «صنعت سکس» را از جنبهٔ «تأمین» نگاه کنیم، می‌بینیم که محوری اساسی دارد و آن هم این که: مخزن عظیمی از بشریت آواره و مستأصل، به ویژه (اما نه صرفاً) در جهان سوم وجود دارد که در ساختارهای رسمیِ اقتصادهای نظام جهانی امپریالیستی جذب نشده است. منظور از «ساختارهای رسمی»، شرایط مرسوم کار است که دستمزد و ساعت کار معین بوده و دارای درجه‌ای از ساماندهی اداری است. لایه‌های عظیمی از بشر تحت ستم، محکوم به شیوه‌های متزلزل و ناپایدار زندگی و بقا هستند. بیایید کاوش‌مان را عمیق‌تر کنیم.

الف) جدایی دهقانان تولیدکننده از وسایل تولید

در طول ۵۰ سال گذشته، شکل جدید و امروزی (معمولاً خشن) جدایی زحمتکشان[1] از ابزار تولید به وقوع پیوسته است... {و پیامدش} نابودی زندگی صدها میلیون ساکنین روستایی در جهان سوم بوده است.

این روند سلب مالکیت با روند به لحاظ تاریخی بی‌سابقهٔ شهرنشینی سرسام‌آور و آشفته در جهان سوم و ظهور «مگا- شهرها» در ارتباط بوده است. «مگا- شهرهایی» با زاغه‌های بزرگ و دالان‌هایی از سکونتگاه‌هایی غیرقانونی‌ای که شهرها را احاطه کرده و مهاجران روستایی در آن ساکن هستند.

«جدایی زحمتکشان از وسایل تولید» به چه معنا است؟

*زحمتکشان مورد بحث عمدتاً دهقانان خرده مالک یا کشاورزانی هستند که تکه‌های کوچک زمین را در مالکیت یا اجاره دارند- یا کسانی که قطعه زمین‌های جامعهٔ محلی (کامیونیتی) را طبق آنچه که مالکیت «عرفی»[2] محسوب می‌شد، استفاده می‌کردند.

1- labourers
2- customary

* اصلی‌ترین وسایل تولیدی که دهقانان- کشاورزان از آن جدا شده‌اند (منفک شده‌اند) زمین، ابزارهای مرتبط با زمین و دسترسی به آب است.

زحمتکشان چگونه از وسایل تولید جدا می‌شوند؟ فرایند جداسازی اینان از وسایل تولید شامل مجموعهٔ پیچیده‌ای از عوامل است:

- وارد کردن کشاورزیِ فن‌آورانهٔ پیشرفته و بسیار مکانیکی، در ابعاد گسترده به جهان سوم. این روند، از دههٔ ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شروع شد. این کشاورزی پیشرفته، شامل وارد کردن انواع بذرهای جدید هیبریدی است که به کانال‌های عمدهٔ بازاریابی ملی و بین‌المللی گره‌خورده و تولیدکنندگان کوچک را تضعیف می‌کند،
- رقابت برآمده از کشاورزی تجاری جهانی و امپریالیستی،
- تصاحب گستردهٔ اراضی دهقانی از طریق توسعهٔ زیرسازی‌ها (مانند احداث سدها، جاده‌ها، امکانات و تأسیسات انبار برای تولیدات عمدهٔ کشاورزی و ...) که به واسطه دولت‌ها و نیابت از سوی امپریالیست‌ها پیش برده می‌شود،
- «زمین‌خواری» توسط گروه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی خصوصی، دولت‌های خارجی و نخبگان کشور که کشاورزی محلی را به مزرعه تولید صنعتی مانند تولید روغن پالم و عملیات‌های معدن‌کاری تبدیل می‌کنند،
- از دست دادن حق آبه‌ها،
- فشارها و سیاست‌هایی که نهادهای «توسعه» و وام‌دهی بین‌المللی تحمیل می‌کنند. مانند بانک جهانی که با زور و فشار، بازارها را به سود صادرات از کشورهای امپریالیستی باز می‌کنند. و شرایطی را به وجود می‌آورد که، برای مثال، ذرت‌های آمریکا به ثمنِ بخس فروخته می‌شود و تولید محلی

> ذرت مکزیک نابود می‌شود... و همچنین وام‌هایی که مشروط به کاهش حمایت مالی دولت‌ها از تولیدکنندگان کوچک است نیز عامل مؤثر دیگر در این مورد است.

خصوصی‌سازی بذر و کود از طریق «حقوق مالکیت اختراع» که کشاورزان را به تجارت کشاورزی امپریالیستی بند می‌کند. سلب مالکیت از دهقانان و کشاورزان خرده مالک، شامل روش‌های «قانونی» تصرف زمین از طریق اعمال فشار اقتصادی و روش‌های غیرقانونی تصرف زمین، از طریق اعمال زور، وحشیانه می‌شود. در این کار، زمین داران بزرگ و دولت‌های جهان سوم و قدرتمندان منطقه‌ای و محلیِ در این کشورها، از نظامیان و میلیشیا و گنگ‌ها و اوباش استفاده می‌کنند؛ عناوین و اسناد رسمی برای مالکیت به وجود می‌آورند و از این عناوین، به عنوان پوشش قانونی برای ابتیاع یا تصرف اجباری زمین استفاده می‌کنند و به این ترتیب، زمینی که بدون عنوان و سند خصوصی، جمعیت‌های دهقانی، مردم بومی و قبایل برای نسل‌های متمادی در اختیار داشتند و روی آن کار می‌کردند، تصرف می‌شود. در همین حال، رقابت بین کشاورزان- دهقانان موجب افزایشی در بهره‌وری، اندازهٔ زمین، توانایی استخدام کارگران می‌شود.

در این مورد آمار افشاگرانه‌ای موجود است: تا سال ۱۹۸۳، اکثریت کارگران جهان همچنان در بخش کشاورزی بودند (عمدتاً و اساساً در جنوب جهانی). اما با شروع سال ۲۰۱۰، تنها ۲۵ درصد از کارگران جهان در بخش کشاورزی بودند.(۲٤)

واقعیت موجود و جاری آوارگان و بی‌جاشدگان جنوب جهانی همین جاست: مشاغل جدید بیرون از کشاورزی هیچ جا در چنان ابعادی وجود ندارد که بتواند آن‌هایی را که از زمین‌هایشان کنده شده‌اند، ادغام کند.

ب) هرگز روندی مشابه انقلاب صنعتی ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ رخ نداد

فرایند جدایی زحمتکشان از وسایل تولید، تکرار سادهٔ تجربهٔ بیرون راندن دهقانان از زمین‌هایشان که چندین قرن در اروپا جریان داشت و وقوع انفجار

انقلاب صنعتی با محوریت انگلیس در قرن ۱۸ و ۱۹، نیست. در آن دوران، فرایند صنعتی شدن، کاربَر labor intensive بود. تولید سرمایه‌دارانه، رشد پرولتاریای جدید کشاورزی و صنعتی را که از روستا بیرون کشیده شده بودند را برمی‌انگیخت. و تولید انبوه کارخانه‌ای، مانند کارخانجات پنبه انگلستان، شمار عظیمی از پرولتاریای جدید را جذب می‌کرد؛ البته با شرایطی وحشتناک.

اما تحت شرایط سلطهٔ امپریالیستی کنونی، توسعهٔ اقتصادی در کشورهای تحت‌سلطه جنوب جهانی، هم تابع نیازهای امپریالیسم است و هم توسط نیازهای آن معوج شده‌اند؛ و از سوی دیگر در مقابل فراز و فرودهای اقتصاد جهانی امپریالیستی بسیار آسیب‌پذیرند. این کشورها در حال «تکرار» همان مسیر انقلاب صنعتی گذشته نیستند. تازه، خود آن انقلاب صنعتی، وابسته به تجارت جهانی برده و فتوحات استعماری بود که هنوز پیامدهای آن در کشورهای تحت‌سلطه حس می‌شود.

در اقتصاد سرمایه‌داریِ جهانیِ امروز، دهقانان سلب مالکیت شده و ریشه کن شدهٔ جهان سوم در ابعاد وسیع درون سیستم‌های تولید انبوه صنعتی جذب نمی‌شوند. آن‌هایی که کشاورزی را، چه به اجبار رها کرده‌اند یا تحت شرایط ستم‌گرانه‌ای «انتخاب» کرده‌اند که کشاورزی را رها کنند، نتوانسته‌اند در شمار قابل‌توجه وارد مشاغل استاندارد و معمول صنعتی یا خدماتی شوند. آن‌ها تبدیل به جمعیت مازاد شده‌اند. می‌گوییم «مازاد» اما این کلمه به معنای «جمعیت بیش از اندازه» به دلیل نرخ بالای تولد یا کمبود مطلق منابع بقاء نیست؛ بلکه «بشر مازاد» در نسبت با تقاضای سرمایه‌داری برای کار در جهت خدمت به تولید مبتنی بر سود است.

گسترش تولید کارخانه‌ای در کشورهای جهان سوم، طی چهل سال گذشته رشد قابل‌توجهی داشته است. این امر بسیار مرتبط است با سرمایه‌گذاری خارجی و برون‌سپاری تولید از کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی؛ این ویژگی بارز اقتصاد جهانی- امپریالیستی معاصر است و برای سودآوری سرمایهٔ امپریالیستی ضروری است. اما ظرفیت جدید تولید کارخانه‌ای در جهان سوم به طور وسیعی در دسته‌ای از کشورها متراکم شده است. سرمایه‌گذاری و

برون‌سپاری امپریالیستی، همراه با گسترش ظرفیت کارخانه‌ای- صنعتی محلی، برای گسترهٔ عظیمی از جمعیتِ به تازگی شهری شدهٔ جهان سوم شغل ایجاد نکرده است.(۲۵)

گرایش تاریخی این چنین است: حرکت وسیع و گستردهٔ ساکنین روستایی به شهرها در عمدهٔ مناطق جنوب جهانی، حرکت وسیع و گسترده به سوی صنعت و خدمات درون اقتصاد رسمی با ساعت کار و دستمزد تعیین شده در چارچوب قانونی، نبوده است.(۲۶)

تقریباً ۷۰ درصد اشتغال در مناطق کم درآمد و یا مناطق با درآمد متوسط جهان، درون اقتصاد غیررسمی با شغل‌های نامنظم و ناامن (اغلب موقت) است که بسیاری از آن‌ها خویش‌فرما یا کارگر با استخدام روزانه است (کارهایی بدون ساعت کار و دستمز منظم؛ یا بدون حمایت‌های بهداشتی، ایمنی یا سایر قوانین مربوط به کار). این شغل‌ها از این قبیل‌اند: فروشندگان خیابانی، کارگران ساختمانی، بی شمار مشاغل خدماتی (تعمیر تلفن همراه)، کارگران خانگی، زباله‌گردها و کهنه جمع‌کنی‌ها، که با فعالیت‌های غیرقانونی مانند داد و ستد اجناس تقلبی هم‌پوشانی دارند. در هند، ۸۰ درصد مشاغلِ غیر کشاورزی، مشاغل غیر رسمی‌اند و در آفریقا، ۸۵ درصد مشاغل غیرکشاورزی، غیررسمی‌اند.(۲۷)

بیش از ۹۰ درصد نیروی کار غیررسمی جهان در جنوب جهانی هستند.

پ) جابه‌جایی و اخراج

ساسکیا ساسان[1] در اثر خود تحت عنوان، بیرون راندن: سبعیت و پیچیدگی در اقتصاد جهانی[2] تحلیلی ارائه می‌دهد در مورد گذاری که در مقیاس جهانی صورت گرفته است؛ گذار از توسعهٔ سرمایه‌داری امپریالیستی‌ای که توده‌های فقیر و از جاکنده شده را درون فعالیت اقتصادی «ادغام می‌کرد»، به توسعهٔ سرمایه‌داری امپریالیستی‌ای که مردم را از زمین، شغل و خانه «اخراج» می‌کند

1- Saskia Sassen
2- Expulsions: Brutality and Complexity in the Global Economy

و ایـن رونـدی اسـت کـه در پایـان قرن بیسـتم شـتاب گرفـت و در قرن بیسـت و یکـم ادامه یافته اسـت.

ساسان، پیوند و ارتباط یک دینامیک جهانی را می‌بیند:

> آوارگان (جهـان سـومی) کـه هرگـز بـه خانـه و کشورشـان بازنخواهنـد گشـت – زیـرا خانـه، اکنـون یا منطقـهٔ جنگی اسـت، یا محل مـزارع بزرگ و عرصـهٔ عملیـات معـدن‌کاوی یا شـاید هـم زمینی مـرده ... و معـادل این جابه‌جایـی و تغییـر در شـمال جهانـی بـه گونـه‌ای دیگـر رخ داده اسـت – جایـی کـه تـا همیـن اواخـر حبـس و زندانی کردن پاسـخی بـه ارتکاب جـرم بـود (بگذریـم از ایـن کـه جـرم بـه واقـع رخ داده بـود یا نـه) اکنون دارد تبدیـل می‌شـود بـه انبـارداریِ انسـانی (حبـس تـوده‌ای)... روندی که آمریـکا سـرآمد و پیش گام آن اسـت.

او ایـن تحلیـل را اینگونـه ادامـه می‌دهـد (ایـن بخش مرتبط اسـت با نقطـهٔ تمرکز پژوهـش من در مقالـه‌ای کـه می‌خوانید):

> بیـرون رانـده شـدن از خانـه، زمیـن و شـغل همچنین ایـن تأثیر را داشـت کـه بـه شـبکه‌های جنایـی و ترافیـک انسـان فضای رشـد و گسـترش داده اسـت و همچنیـن، موجـب دسترسـی هرچـه بیشـتر خریـداران خارجی – چـه شـرکت‌ها، چـه دولت‌هـا– به زمیـن و منابع آب‌هـای زیرزمینی شـده است.(۲۸)[۱]

ت) سیارهٔ زاغه‌ها

ایـن عنـوان کتابی از مایک دیویس اسـت کـه تحلیل مهمی را بـرای فهم پدیده‌های مـورد بحثمـان فراهـم می‌کنـد. فصـل پایانـی کتـاب بـا قطعـه‌ای تحریک‌کننـده از

۱- در لینک زیر به صحبت‌هایی که ساسان در مورد کتابش در جلسه کتابفروشی انقلاب داشت گوش دهید:
https://vimeo.com/manage/videos/108811541

رمـان تکزاکـو[1] اثـر پاتریـک چاموازو[2] آغـاز می‌شـود: «پرولتاریایی بـدون کارخانه، کارگاه، شـغل و بـدون کارفرمـا، در میانـهٔ مجموعه‌ای از شـغل‌های درهم و غریب، غـرق در تـلاش بـرای بقـاء و گـذران زندگـی در کـوره راهـی از خاکسـتر». اینجا «مجموعـه‌ای از شـغل‌های درهـم و غریـب» همـان «اقتصـاد غیررسـمی» اسـت. تکزاکـو نـام یکـی مکان‌های سـکونت غیرقانونـی در پایتخت جزیـرهٔ مارتینیک در کارائیب اسـت.(۲۹)

سـرعت، درنده‌گـی و رنجـی کـه در جریان اسـت، به حدی اسـت که قابـل اغراق نیسـت. در سـطح جهانـی نسـبت جمعیتـی کـه در شـهرها زندگـی می‌کننـد از ۳٤ درصـد در ۱۹٦۰ بـه ٤۷ درصـد در سـال ۲۰۰۰ و بـه ۵۷ درصـد در سـال ۲۰۲۰ افزایـش یافتـه اسـت. بیـش از ۷۵ درصـد جمعیـت شـهری، در شـهرهای جنـوب جهانـی زندگـی می‌کنند. در سـال ۲۰۱۵، به میزان ٤۰ درصد از توسـعهٔ شـهری در سـطح جهانـی در زاغه‌هـا رخ داده اسـت؛ در کشـورهای جنـوب صحـرای آفریقا، بیـش از ٦۰ درصـد جمعیـت در زاغه‌هـا زندگـی می‌کننـد. در سـال ۲۰۱۹، بیـش از ۱ میلیـارد نفـر، یـا بـه عبـارت دیگـر از هـر ۷ نفـر ۱ نفـر در جهـان، در زاغه‌ها یـا بـه اصطـلاح «سـکونتگاه‌های غیررسـمی» زندگـی می‌کردنـد که آبـش آلوده و خدمـات بهداشـتی‌اش انـدک اسـت و مناطق شـهری را احاطه کـرده و عمدتاً و به صـورت گسـترده در درون و اطـراف مگا-شـهرهای جنـوب جهانـی قـرار دارند. (۳۰)

مهاجـرت آوارگان از روسـتا بـه شـهر ... کـه در ادامـه اغلـب از یک کشـور جهان سـوم بـه کشـور جهان سـوم دیگـر، یا بـه کشـورهای امپریالیسـتی امتـداد می‌یابد. همـهٔ این‌هـا بـا «جهانی‌شـدن تن‌فروشـی» مرتبـط اسـت.

ث) گرمایش زمین

اقتصـاد، جامعـه، سیاسـت و انقـلاب بـرای جهانـی بـه طـور ریشـه‌ای متفـاوت و بهتـر، بـه طـور جدایی‌ناپذیـر بـه بحـران زیسـت محیطی سـیاره زمیـن گره‌خورده

1- Texaco
2- Patrick Chamoiseau

است. گرمایش زمین اثرات بزرگ و حادی بر کشاورزی در جهان سوم دارد – از جمله خشکسالی و بیابان‌زایی. این امر تنش‌های زیست‌محیطی در شهرها، زاغه‌ها و سکونت‌گاه‌های غیرقانونی در جنوب جهانی را تشدید می‌کند. این موضوع دینامیک‌های بیرون راندن، مهاجرت توده‌ای و ظهور «بشر مازاد» را با یکدیگر ترکیب می‌کند.

بخش پنجم) به شرح‌های مری وای (AYE AND MARY) از سقوطشان به جهنم گوش می‌دهیم... و کابوسی که پناهندگان روهینگیا با آن مواجه‌اند

- آی (Aye)، زمانی که یک زن به خانواده‌اش در میانمار مراجعه کرد، تنها ١٤ سال داشت. آن زن به آن‌ها گفت که آی می‌تواند در بانکوک مشغول به کار شود. والدین وی، که در شرایط فقر شدید زندگی می‌کردند، به او و خواهرش اجازه دادند تا به تایلند سفر کرده و از فرصت کار در آنجا استفاده کنند. بلافاصله پس از رسیدن به تایلند، به گروهی از مردان سپرده شدند که آن‌ها را به صاحب یک روسپی‌خانه فروخت. والدین آی به مدت سه سال هیچ خبری از او نداشتند ... تا این که او در یورشی به روسپی‌خانه پیدا شد. او به همراه ۱۰۰ زن دیگر در طبقهٔ پنجم روسپی‌خانه به اسارت گرفته شده بود: ملزم بود از ظهر تا دو صبح کار کند و مجبور بود روزانه به ۱۲ تا ۲۰ مرد خدمت کند. هر کدام از دخترها پیرهنی با شماره‌ای الصاق شده به آن داشتند؛ آن‌ها هنگامی که منتظر خوانده شدن شماره شان بودند، تلویزیون تماشا می‌کردند. دیواری شیشه‌ای زنان و دختران را از مردان جدا می‌کرد. مردان، پس از انتخاب دختری جهت گذراندن ۳۰ دقیقه، ٦ دلار پرداخت می‌کردند. زنان و دختران روزانه یک دلار برای «کار» خود دریافت می‌کردند. (۳۱)

- مری (Mary) یک دختر دبیرستانی آینده‌دار از یکی از ایالت‌های نیجریه به نام ادو[1] بود. او رویای رفتن به دانشگاه را در سر داشت. وقتی که زنی به مادرش مراجعه کرد و پیشنهاد بردن این دختر نوجوان را به ایتالیا برای یافتن کار داد، او ١٦ ساله بود. خانوادهٔ مری به امید این که کار کردن مری در

1- Edo

ایتالیا می‌تواند خانواده را از فقر نجات دهد، او را به سمت پذیرش این پیشنهاد هل دادند. نهایتاً مری برای تن‌فروشی ترافیک می‌شود: سه سالی که او وادار شد بدنش را بفروشد، ضرب و شتم و تهدید با اسلحه را تحمل کرد؛ و مجبور بود تحقیر وحشیانهٔ دختران کوچک‌تر از خود را که هویج‌هایی را با خشونت وارد واژن‌شان می‌کردند، تماشا کند؛ تحقیرهایی که برای درس عبرت دادن به دیگران بود که اگر مقاومت کنید، این بلا به سرتان خواهد آمد. پس از یورش پلیس به روسپی‌خانه، مری به کشورش بازگردانده شد. اما خانوادهٔ مری او را طرد کردند. این وقایع مربوط به ۲۰ سال پیش است. امروز، شرایط بسیار بدتر است. گنگ‌ها از آشوب بحران مهاجران بهره می‌برند و زنان و دختران بسیار جوان‌تری را برای بردگی جنسی «به فروش می‌رسانند». مری می‌گوید، نسبت به گذشته، الان دختران جوان بیشتر می‌دانند که دارند وارد چه چیزی می‌شوند، اما نمی‌دانند که حتا اگر بالاخره بتوانند مثل من از آن شرایط خلاص شوند، اما از تروماهایی وحشتناکی رنج خواهند برد.(۳۲)

- یک پناهندهٔ جوان روهینگیایی از میانمار به سمت همسایگی مالزی می‌گریزد. او یکی از صدها هزار نفری است که مورد آزار قرار گرفته، لعن شده و از کشور بیرون رانده شده‌اند. او و سایر دختران، در اردوگاهی در مالزی، در ابتدا برای ازدواج اجباری فروخته می‌شوند. سپس پس از مدتی، «شوهرانشان» دختران را به سایر مردان می‌فروشند. برخی از آن‌ها نهایتاً به عنوان کارگر خانگی یا کارگران مقید کار می‌کنند. افرادی که ترافیک انسان می‌کنند، با وعدهٔ دستمزد بالا به سراغ آن‌ها می‌روند، برخی از این نوجوانان را به تن‌فروشی اجباری می‌کشانند. سایر زنان روهینگیایی وادار به کار در صنایع

> غذاهـای دریایـی تایلنـد می‌شـوند. ایـن صنعـت بسـیار وابسـته به کار بـرده‌وار و ارزان اسـت؛ یکی از صنایعی اسـت کـه زنان در آن، در معرض شـرایط کار جان‌فرسـا و تجاوز جنسـی قـرار می‌گیرند. ایـن صنعـت به بخـش خرده‌فروشـی مـواد غذایی آمریـکا خدمت می‌کنـد.

سـایر پناهنـدگان را در بنـگلادش جمـع می‌کننـد. بنـگلادش اکنـون مقصد اصلی بـرای روهینگیایی‌هاسـت و آن‌هـا را در منطقـه‌ای قـرار می‌دهنـد کـه یـک میلیون نفـر دیگـر، از جملـه صدهـا هـزار نفـری کـه در دهه‌هـای گذشـته فـرار کرده‌انـد زندگـی می‌کننـد. وضعیـت آن‌هـا کـه در واقـع بدون هـر گونـه تابعیتی هسـتند و ناتوانی‌شـان در یافتـن کار قانونـی، زنـان و دختـران را در مقابـل ترافیـک جنسـی آسـیب‌پذیر می‌کنـد. برخـی از آن‌هـا را در یکـی از بـه اصطـلاح «روسـتاهای روسـپی‌کده» در بنـگلادش جمـع می‌کننـد؛ جایـی کـه آن‌ها بـه زنـان و نوجوانانی ملحـق می‌شـوند کـه برخـی از آن‌هـا تنهـا ۱۳ سـال سـن دارند.

تن‌فروشـی در بنـگلادش قانونـی اسـت. جریـان مـدام ترافیـک زنـان و دختـران بـه صنعـت تن‌فروشـی، دختـران و زنـان را در دسـترس کسـانی قـرار می‌دهـد که از آن‌هـا پـول در می‌آوردنـد. برخـی از زنـان جـوان بـه قـدری مأیـوس و دلمرده می‌شـوند کـه دیگـر نمی‌تواننـد ادامـه دهنـد- خودزنـی می‌کننـد، خودکشـی می‌کننـد (یکـی در مـاه) و این‌هـا در بزرگترین روسـتای روسـپی‌کدهٔ کشـور اتفاق می‌افتـد. دفـن زنان جان سـپرده در گورسـتان‌های عمومی ممنوع اسـت. در نتیجه، تن‌فروشـان بـرای حل مسـاله مجبور به سـاختن گورسـتانی خصوصی شـده‌اند ... و مراسـم تدفیـن را بـه صـورت دم دسـتی و مختصـر انجـام می‌دهند.

بخش ششم) یادداشتی دربارهٔ عقلانی‌سازیِ «کار جنسی» و سقوط به قعر جهنم

باید به وضوح تمامْ درک و تصریح شود که «کار جنسی» بر خلاف نظریه‌های زیادی که آن را عقلانی سازی می‌کنند، از جمله توسط برخی جریانات فمنیست و سیاست هویتی «ووک»[1]، تن‌فروشی صرفاً یک نوع «کار» خاص یا یک نوع «تجارت» موهن، نیست. ترافیک به منظور تن‌فروشی نوعی از «مهاجرت در جستجوی کار» هم نمی‌باشد. وقتی آن چه بر بدن زنان اعمال می‌شود -- از جمله این که از طریقِ تجاوز و تجاوز گروهی توسط جاکش‌ها و ترافیک‌کنندگان وادار به تن‌فروشی می‌شوند و همهٔ عوارض فیزیکی و روانی‌ای که متحمل می‌شوند – را در نظر بگیریم هرگز نمی‌توانیم آن را «کار» محسوب کنیم. تجربهٔ ترافیک‌شدن به درون صنعت سکس این است که، «هر روز توسط بسیاری از مردان مورد استفاده جنسی قرار می‌گیرند و هرگز قادر نیستند از انواع عمل جنسی با مردی امتناع کنند و همیشه تحت‌نظر گله‌ای از ترافیک‌کنندگان هستند و تا زمانی که بدهی معمول به آن‌ها را پرداخت نکنند، حقوقی دریافت نمی‌کنند و این بدهی همواره توسط ترافیک‌کنندگان تحت عنوان تأمین نیازهای شخصی، افزایش می‌یابد.» (۳٤) در میان حامیان پارادایم «کار جنسی» برای صنعت سکس جهانی، یک نقطهٔ کور امپریالیستی- شوونیستی نیز وجود دارد: امتناع از به حساب آوردن وحشت‌های این وضعیت در جهان سوم.

اغلب در دفاع از «کار جنسی» اینگونه استدلال می‌شود که، بله، این کار می‌تواند تحقیرآمیز باشد... اما در سرمایه‌داری، این امر به طور کلی در مورد کار صادق است. در جواب، سایت ما revcom.us مقاله‌ای را منتشر کرده که به همین نکته اشاره می‌کند:

« به یقین، حقیقتی است که در دنیای کنونی، بسیاری از مشاغل واقعاً تحقیرآمیز

1- “woke”

بوده و خصلت استثماری بالا دارند. این یک دلیل بزرگ است که چرا ما به نیاز به انقلاب داریم. بله، زندگی بسیاری از مردم به این طریق هدر رود و این به کل دیوانگی و غیرضروری است... از طرف دیگر، وقتی مردی، زن یا دختر جوانی را برای تن‌فروشی یا پورنوگرافی خریداری می‌کند ... چیزی که خریداری شده، **در واقع بردگی و تحقیر جنسی آن زن است** {**و نه چیز دیگر**}... **آن مرد برای این پول پرداخت می‌کند که بتواند بی‌احترامی، خشونت، ضرب و شتم، توهین و تحقیر به یک زن را تجربه کند.** (تأکیدات توسط لوتا اضافه شده)

استدلال دیگر حامیان «کار جنسی» این است که داد و ستدی که از طریق آن زن بدنش را در ازای لذت جنسی با مردان مبادله می‌کند – چه به عنوان تن‌فروش خیابانی، چه به عنوان اسکورت یا همراه «مجلل» و چه به عنوان یک اجرا کننده یا پرفورمر– در واقع شکلی از «عاملیت» ... و «انتخاب» زنانه است در تجارت جهانی شده و تبلیغ خود در این بازار. برای این بینش، فکت تعیین کننده آن است که گویا انتخاب آگاهانه‌ای صورت می‌گیرد. اما، باید گفت که این هم یکی دیگر از انواع فریب و خودفریبی است.

همانطور که تحلیل ما نشان داد، نیروهای اقتصادی– اجتماعی بزرگتر، محدوده‌های «انتخاب» زنان را تعیین می‌کنند؛ به ویژه «انتخاب» زنان از جاکن شده و فقیر را. ساز و کار انباشت امپریالیستی و بافت اجتماعی مردسالار، این انتخاب‌ها را شکل می‌دهد. همانطور که آواکیان در مقالهٔ «دربارهٔ انتخاب‌ها ... و تغییرات رادیکال» به صورت قدرتمندی توضیح می‌دهد «مردم انتخاب می‌کنند، اما به این معنا نیست که آن‌ها انتخاب کرده‌اند که این انتخاب‌ها را داشته باشند.»

مقاله‌ای خواندم که نقد خوبی به نظریه‌ای که بر اساس «انتخاب» می‌گوید تن‌فروشی «کار» است، کرده است. نویسند، به نکتهٔ مهمی اشاره می‌کند و می‌گوید، تن‌فروشی « توسط یک رابطه خلق شده است و نه توسط تمایل شخصی... {یعنی} بدون مردان خریدار سکس و زنان تن‌فروش شده، تن‌فروشی وجود خارجی نمی‌تواند داشته باشد.» (۳۷)

بازشناسی و به رسمیت شناختن ماهیت ستم‌گرانهٔ ذاتی تن‌فروشی و متحد شدن حول خواست عادلانه برای جرم‌زدایی از تن‌فروشی، در هر حال، پایان داستان نیست...

بهره‌کشی جنسی و ستم بر زنان باید و می‌تواند پایان یابد؛ و تنها از طریق انقلاب کمونیستی می‌تواند پایان یابد؛ انقلاب کمونیستی‌ای که این سیستم را سرنگون کرده و هر ستم و استثماری را ریشه‌کن کند. به عبارت دیگر، دنبال کردن و تحقق آگاهانه و جمعی این انقلاب جهت گسست ریشه‌ای از تمام روابط مالکیت سنتی و تمام ایده‌ها و ارزش‌های سنتی «عاملیت» است، عاملیتی رهایی‌بخش در معنای وسیع کلمه.

بخش هفتم: ترافیک سکس به عنوان جزء مهم اقتصاد غیر قانونی جهانی که در بیست سال گذشته رواج گسترده‌ای داشته است.

زنی نیجریه‌ای که به بورکینافاسو ترافیک شده است و در شهرک‌های معادن طلای شهر سکاکو، وادار به تن‌فروشی شده. او در میان چادرهای اردوگاهی که تن‌فروشان زندگی می‌کنند، قدم می‌زند. آن‌ها وادار می‌شوند که هر شب با بیش از سی مرد سکس داشته باشند.

به نقطهٔ تعیین کنندهٔ تحلیل‌مان باز گردیم: **جهانی‌شدن امپریالیستی نوعی از «معماری جهانی» را تسهیل کرده است که نه تنها شبکه‌های تأمینِ قانونی و غیرقانونی نیروی کار جهانی را در هم بافته، بلکه همچنین تمایزات بین آن‌ها را نیز محو کرده است.** در شمار زیادی از صنایع قانونی، اقتصادهای غیرقانونی، حول یا درون این آن‌ها در گردش‌اند: از جمله ماهی‌گیری، استخراج کبالت، استخراج طلا و تجارت چوب و الوار. **در قلمرو مالی، بانکداری «قانونی» تبدیل به بانکداری «سایه» و پولشویی گسترده می‌شود.**

ارزش اقتصاد غیرقانونی در جهان ۲/۲ تریلیون دلار است. (۳۸)

بر اساس کتاب اقتصاد غیرقانونی جهانی: مسیرهای جنایت سازمان‌یافتهٔ فرامرزی [1]: «سیستم بانکی جهانی مبهم و ناروشن، که در آغاز هزارهٔ جدید توسعه یافت، اجازه داد سودهای قانونی و غیرقانونی بر هم انباشت شوند و منابع و مخازن میلیارد دلاری از دارایی‌های غیرقابل دست زدن ایجاد شود؛ در عین حال، قدرت و تأثیر بازیگرانی که از این مخازن استفاده می‌کنند نیز عظیم‌تر شد» و ابزارهای فناوری دیجیتال و تجارت دیجیتال به طور همزمان به تحکیم و استتار فعالیت‌های خُرد غیرقانونی و اقتصادهای بزرگِ غیرقانونی، مانند قاچاق مواد، اسلحه و انسان، خدمت کرده است و می‌توان، پرداخت وجه به ترافیک‌کنندگان را بدون این که ردی از مبادله باقی بماند، انجام داد.»(۳۹)

1- The Global Illicit Economy: Trajectories of Transnational Organized Crime

تمامی این امور با همه‌گیری کووید ۱۹، تشدید شده است:

دهه‌ها جهانی‌شدن و آزادسازی تجارت، نابرابری و ناهمسانی عظیمی را در ثروت و قدرت به وجود آورده است. قبل از همه‌گیری کرونا، فرصت‌های کاری در اقتصاد قانونی در حال کاهش بود. اما در نتیجهٔ همه‌گیریِ کرونا، شرایط بدتر از این هم شد؛ به ویژه برای کسانی که در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار بودند. این شرایط، فضایی را برای اقتصادهای غیرقانونی جهت گسترش و ارائهٔ خدمات و همچنین استخدام شمار روزافزونی از مردم (اغلب به صورت اجباری) به وجود آورد. (٤٠)

همانطور که پیش‌تر بحث شد، روند شهرسازی آشفته و کائوتیک در جهان سوم که توسط توسعهٔ اقتصادیِ امپریالیستی به وجود آمد، با ناتوانی اقتصاد رسمی در فراهم‌کردن اشتغال، برهم کنش دارند. حکومت قادر نیست که در زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، خدمات ارائه کند، آن‌ها را اداره کرده و امنیت فراهم کند. تقاضا برای آب و زغال برای گرم‌کردن خانه‌ها و آشپزی و سایر ملزومات اساسی، در فضای اقتصادی فاقد مقررات نمی‌تواند پاسخ گیرد. گروه‌های جنایتکار و گنگ‌های محلی اغلب در همین خلاء (فضای اقتصادی فاقد مقررات) گام می‌گذارند- و به شکل فزاینده‌ای بازارهای فاقد مقررات را برمی‌گزینند. طی همه‌گیری کووید۱۹، در برخی از موارد همین گنگ‌ها قرنطینه‌های بهداشتی را با جبر به اجرا گذاشتند.

اقتصاد غیرقانونی زیرزمینی رشد می‌کند و آن «فضای بدیل» را برای اشتغال و درآمد ایجاد می‌کند. تن‌فروشی یک جز اصلی این «بدیل» پررونق اقتصادی است. گنگ‌ها و گروه‌های جنایت کار، با جذب جوانان و کسانی که به کل به حاشیه رانده شده‌اند، تکثیر می‌شوند و به شاخه‌های مختلف فعالیت‌های غیرقانونی تقسیم می‌شوند و ترافیک‌کنندگان انسان با قاچاقچیان مهاجرت و با «صنعت سکس» جهانی در هم می‌آمیزند.

بخش هشتم: سکس، ندیمه‌ها و فرایند صادرات ... ظهور «گردشگری جنسی »

تحرک زنان جهان سوم درون و بیرون اقتصاد رسمی

مقاله‌ای تحقیقاتی در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «سکس، ندیمه‌ها و فرآوری صادراتی: خطرها و دلایل شبکه‌های تولید جهانی جنسیت محور» به این موضوع می‌پردازد که چگونه طی سه دهۀ گذشته شمار عظیمی از زنان در جهان سوم به درون سه بخش یاد شده در عنوان مقاله کشیده شده‌اند... و بین این سه بخش حرکت می‌کنند.(٤١)

برون سپاری امپریالیستی تولید، موجب رشد مناطق فرآوری صادرات در جهان سوم شده است؛ مناطقی که سودآوری و قدرت رقابتشان وابسته به زنان، به مثابه کارگرانِ مستعد فوق استثمار، می‌باشد. با این حال، «خیز به سمت نهایت‌ها»[1] – یعنی، جستجوی مدام و روزافزون نیروی کار ارزان توسط سرمایه – دائماً موجب تغییر مکان تولید می‌شود. موج اول تولید برون‌سپاری شدۀ پوشاک و سایر کالاهای مصرفی در تایوان، کرۀ جنوبی، سنگاپور و ... جای خود را به موج دوم برون‌سپاری داد که در مناطق دیگری مثل چین و بنگلادش متمرکز شدند. در نتیجه، بسیاری از کارخانه‌های موج اول بسته شدند.

اشتغال در کارخانه‌های برون‌سپاری شده و پیمانکاری در عین حال، هم بسیار طاقت‌فرساست و هم بسیار شکننده. این امر آسیب‌پذیری زنان کارگر و خانواده‌های آنان را تشدید می‌کند. همزمان، تحمیل ریاضت‌کشی و تعدل ساختاری که از اوایل دهۀ ۱۹۸۰ توسط نهادهای مالی امپریالیستی تحمیل و آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد، موجب قطعِ خدمات اساسی و خصوصی‌سازی این خدمات پایه‌ای شد و فشار بیشتریَ را بر زنان وارد کرد که برای حفظ خانواده دست به هر کاری بزنند.

1- race to the bottom

برخـی از زنـان ایـن کارخانه‌ها بـه خانوار بـاز می‌گردند یا این کـه وارد بخش‌های غیررسـمیِ کار می‌شـوند کـه شـامل خدمتـکاری در خانه‌هـا و تن‌فروشـی اسـت. یـا ایـن کـه، بـرای پیوسـتن به همیـن بخش‌هـا، مهاجـرت می‌کننـد. امـا همین که تن‌فـروش شـدند، بسـیاری از آنـان می‌بیننـد کـه در دام افتاده‌انـد... آن‌هـا به خاطر داغ ننگـی کـه بـا خـود حمـل می‌کننـد، بـه خاطر قرض‌هـای انباشـته شـده‌ای که بـه «اسپانسـرها» (کـه اغلـب ترافیک‌کننـدگان هسـتند) دارنـد و به خاطـر ترس از سـازمان‌های جنایـی، بـه اجبـار در ایـن دام می‌ماننـد و نمی‌تواننـد از ایـن شـرایط فـرار کنند.

۱- **مورد** دانگوان[1] **در چین**

شـهر دانگـوان در قلـب دلتـای دریاچـهٔ مرواریـد Pearl، منطقـهٔ بـزرگ تولیـد صادراتـی در سـواحل جنوبـی چین اسـت کـه در مجـاورت هنگ‌کنگ واقع شـده اسـت. در دهـهٔ اول ایـن قـرن، دانگـوان بـا حـدود ۳۰۰ هـزار تن‌فروش در شـهر، بـه عنـوان «آمسـتردام شـرق» شـناخته شـد. علی‌رغـم این که تن‌فروشـی بـه طور رسـمی غیرقانونـی اسـت، بنـا بـر برخی برآوردهـا، ۱۰ درصـد از درآمد و اشـتغال ایـن شـهر را بـه خـود اختصاص داده اسـت.

نقـش نیـروی کاری کـه متشـکل از مهاجـران داخلی اسـت، برای این شـهر حیاتی بـوده اسـت. صدهـا هـزار زن از مناطق روسـتایی و فقیرنشـین چین برای مشـاغلی بـا درآمـد بهتـر در کارگاه‌هـای تولیـدی عرق‌ریـزان واقع در شـهرهای روبه رشـد ماننـد دانگـوان، به مناطق سـاحلی هجوم آوردنـد. حدود ۹۰ درصد از تن‌فروشـان دانگـوان اساسـاً در پـی کار در ایـن کارخانه‌هـا بودنـد، امـا یـا نتوانسـتند در ایـن مشـاغل جایـی بـرای خـود بیابند و یـا این کـه دریافتند این مشـاغل آنگونـه که به آنـان گفته شـده بـود و قرار بود باشـند، نیسـتند.(۴۲)

در چنیـن شـرایطی تن‌فروشـی تبدیل به شـغلِ فرصت و اجبار شـد. ایـن «کارگران جنسـی» مـورد تقاضـای کارگـران مـرد مهاجرِی بودند کـه آن‌ها نیـز از داخل چین بـه آنجـا مهاجـرت کـرده بودنـد و شـمار آنـان بسـیار بیشـتر از زنـان بـود. علاوه

1- Dongguan

بـر ایـن، زنـان تن‌فـروش مـورد تقاضـای تاجرانی کـه برای تجـارت به این شـهر سـاحلی می‌آمدنـد نیـز بودند.

از آنجایـی کـه رونـق صـادرات چین بـه دلیل رکـود جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ کند شـد و همچنیـن از آنجـا کـه چین به سـمت تولید پیشـرفته‌تری کـه کمتر کاربَـر[1] بود و کارگـر کمتـری می‌طلبیـد رفـت و فرصت‌هـای شـغلی بـرای زنـان نیز کم‌تر شـد. در نتیجـه، زنـان بیشـتری بـه سـمت تن‌فروشـی رفتنـد. روسـپی‌خانه‌ها و افـرادی کـه ترافیـک انسـان می‌کردنـد مخـزن فزاینـده‌ای از زنـان مسـتأصل در دسـترس داشـتند کـه تطمیـع کـرده و بـه دام اندازنـد. دولت دسـت به سـرکوب سـختی زد. امـا ایـن صنعـت ناپدید نشـد و صرفـاً روش‌های عملـش را تغییـر داد... و دانگوان چیـن بـه زبـان پیروزمندانـهٔ راهنماهـای اینترنتـی «گردشـگری جنسـی» بـه عنوان «شـهر گنـاه» sin city باقـی ماند.

۲- «گردشـگری جنسـیِ» جهانـی و نقـش ارتـش نسـل‌کش آمریکا در تکوین آن

یـک سـرباز ارتـش آمریکا در حـال عبـور از روسـپی‌خانه‌ای در ویتنـام جنوبی. طی ۱۰ سـال جنـگ نسل‌کشـانهٔ آمریکا در ویتنـام (۱۹۷۵-۱۹۶۵)، بیـن ٤۰۰ هزار تا ۵۰۰ هـزار زن و دختـر ویتنامی تن‌فروش شـدند.

بخشـی از تحلیـل ارزشـمند شـیلا جفریـس از کتابـش بـا عنـوان مناسـب و تحریک‌کننـدهٔ «واژن صنعتـی: اقتصاد سیاسـی تجارت جهانی سـکس» را می‌آوریم:

«تن‌فروشـی نظامـی، مهم‌ترین مسـیر در جهانی‌شـدن و صنعتی‌شـدن تن‌فروشـی در انتهـای قـرن بیسـتم بـوده اسـت. ارتش‌هـای صنعتی عظیـم قـرن بیسـتم دریافتند که تن‌فروشـی بـرای آمادگی ارتش شـان ضروری اسـت... تن‌فروشـی نظامی یا ارتشـی در مقیاسـی مشـابه روسـپیگرانی که در خدمت ارتش ژاپن بودند {تن‌فروشی گسترده و بردگـی جنسـی زنـان در کشـورها و مناطقـی کـه در دهـهٔ ۱۹۳۰ تا ۱۹٤۰ توسـط امپریالیسـم ژاپن اشـغال شـدند} بخشـی از شـیوه‌ها و رژیم اسـتراحت، سـرگرمی و تجدیـد قـوای نظامـی ارتـش ایالات‌متحـده در سراسـر جنوب شـرقی آسـیا، پس از

1- Labor- intensive

جنگ جهانی دوم، بوده است. آن‌ها زمینه را برای صنعت عظیم سکس و ترافیک زنان در کره، تایلند و فلیپین مهیا کردند و این صنعت بدل به بخش مهمی از اقتصاد این کشورها شد. در این ابعاد، روسپیگری نظامی را می‌توان به عنوان آغازگر جنبهٔ مهمی از جهانی‌شدن تن‌فروشی، استثمار جنسی پرولتاریای جنسی زنان و کودکان کشورهای فقیر توسط اعضای ملت‌های ثروتمند غربی، لحاظ کرد... پس از این که تن‌فروشی نظامی موج صنعتی شدن تن‌فروشی در یک کشور می‌شود، زنان و دختران محلی بدل به مواد خام صنعت جهانی سکس می‌شوند؛ زنان و دخترانی که نه تنها در صنایع محلی و گردشگری جنسی در کشورشان تن‌فروش می‌شوند، بلکه برای تن‌فروشی به سراسر جهان ترافیک می‌شوند.» (٤٣)

در مجموعهٔ «جنایات آمریکا» که در سایت ما revcom.us آورده شده، بخشی هست با نام «جنگ آمریکا در ویتنام و انقیاد جنسی زنان» که در آنجا اسناد ساخت «اقتصاد عظیم روسپی‌خانه‌ای» در ویتنام جنوبی تشریح شده است. طی ده سال (۱۹۷۵-۱۹٦٥) از جنگ نسل‌کشانهٔ آمریکا در ویتنام، حدود ٤۰۰ الی ٥۰۰ هزار از زنان و دختران ویتنامی تن‌فروش شدند.(٤٤)

استثمار جنسی جهت خدمت به سربازان آمریکایی، با گسترش‌اش به تایلند بسیار سازمان‌یافته‌تر و صنعتی‌تر شد. این موضوع در پیمانی بین آمریکا و تایلند که توسط وزیر دفاع رابرت مک نامارا در سال ۱۹٦۷ مهندسی و طراحی شده بود، پاس داشته شد. دولت تایلند موافقت کرد که در ازای کمک اقتصادی، برای سربازان آمریکا در طول مرخصی‌های موقتشان، استراحت و تفریح جنسی فراهم کند- به این ترتیب «گردشگری جنسی» {«سکس توریسم»} همزمان هم یک فرمان رسمی بود و هم کمک خارجی؛ و تمام این‌ها در طی یک دهه کشتار دو میلیون ویتنامی صورت می‌گرفت.

ترافیک سکس طی جنگ به عنوان «سنت» ارتش آمریکا، تداوم یافت: برای نمونه، پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ زنان بلاروسی، چینی و ایرانی به عنوان تن‌فروش توسط پیمانکاران آمریکایی برای نظامیان آمریکا، در «منطقهٔ سبز» آمریکا واقع در بغداد ترافیک می‌شدند.

روسپیگری نظامی در مقیاس گسترده «اثر مضاعف» خاص خود را داشته است. ارتباط معین و قاطعی بین «رونق» تن‌فروشی نظامی طی جنگ ویتنام، پایگاه‌های نظامی در شرق و جنوب شرقی آسیا و توسعهٔ بعدی «گردشگری جنسی» در آن منطقه وجود دارد. همانطور که جفریس می‌نویسد:

«توسعه صنعت گردشگری جنسی در آسیا از دهه ۱۹۷۰ به بعد اساساً به کمک شالوده‌ای گسترش یافت که تن‌فروشی نظامیِ ارتش آمریکا به وجود آورده بود. این صنعت، در همان مکان‌هایی شروع شد که تن‌فروشی برای خدمت به ارتش آمریکا توسعه یافته بود. مانند تایلند، فلیپین، کره. این موضوع تا آنجایی پیش رفت که درصد مهمی از تولید ناخالص داخلی این کشورها توسط تن‌فروشی تأمین می‌شد. در واقع، دولت‌های کشورهای فقیر تعمداً گردشگری جنسی را به عنوان وسیله‌ای برای کسب ارز خارجی توسعه دادند. ... تن‌فروشی مرتبط با گردشگری تنها در کشورها و مکان‌هایی در آسیا که تن‌فروشی نظامی در آنجا لنگر انداخته بود، توسعه نیافت. بلکه، گسترش صنعت سکس، بخشی از توسعه در مناطقی بوده است که مردان – چه فردی، چه به صورت گروهی – برای تفریح، تجارت، رخدادهای ورزشی و گردهم‌آیی‌های سیاسی به آنجا سفر می‌کنند. این مردان ممکن است گردشگرانی باشند که به طور خاص به هدف زنان تن‌فروش یا رفتن به کازینو که تماما با تن‌فروشی مرتبط‌اند سفر می‌کنند، یا تاجران و علاقه‌مندان به ورزش باشند که استفاده از زنان تن‌فروش را به عنوان بخش معمول تجربهٔ سفرشان لحاظ می‌کنند. در کشورهای ثروتمند، برخی شهرها مانند آمستردام در هلند و نوادا در آمریکا، جزو مقاصد گردشگری جنسی هستند. کشورهای فقیری نیز هستند که از گردشگری مرتبط با تن‌فروشی به عنوان وسیله‌ای برای توسعهٔ اقتصادشان استفاده می‌کنند و زنان محلی را، بدون داشتن تجربه‌ای جدی در تن‌فروشی نظامی، به عنوان منبعی برای استثمار شدن در بازار جای می‌دهند. مانند جامائیکا.» (٤٧)

در واقع، در اواخر دههٔ ۱۹۷۰، جامائیکا از صندوق بین‌المللی پول وام‌هایی دریافت کرد؛ وام‌هایی در عوض اجرای «سیاست اصلاحات». این «اصلاحات»

بر این اساس بود که اقتصاد جامائیکا به سوی نیازهای بازار جهانی امپریالیستی جهت‌دهی شود و در ابتدا با فشار در جهت تولید با جهت‌گیری صادراتی قرار گرفت. این ابتکار کوتاه‌مدت در رقابت با مناطق ارزان‌تر تولید، فروپاشید. آنچه در ادامه دنبال شد، تبلیغ گردشگری بود: «کالاسازی بهشت» در کارائیب و آسیای جنوب شرقی، با بدن زنان «تسلیم» و «اگزوتیک».

نیکول دنیس بن نویسندهٔ زادهٔ جامائیکا (که در کتابفروشی «انقلاب» ما هم سخنرانی کرد) برخی از عواقب انسانی {این پدیده} را در رمانش با عنوان «خورشید می‌آید» در سال ۲۰۱٦ تجسم کرده است. او در شرح رمان و انتخاب‌هایی که شخصیت‌های رمانش صورت می‌دهند، اشاره می‌کند:

«تحرک به سمت بالا {جابه‌جایی طبقاتی در جهت بهبود شرایط فرد} در جامائیکا به غایت دشوار است. به همین دلیل است که بسیاری از افراد طبقهٔ کارگر، جامائیکا را ترک می‌کنند. اما آن‌هایی که می‌مانند باید راهی برای تأمین زندگی‌شان پیدا کنند. در رمان من، مارگوت مجبور می‌شود که حقوق ناچیز خود به عنوان منشی هتل را با تن‌فروشی افزایش دهد. در کشوری مانند جامائیکا که بالاترین عایدی از طریق صنعت گردشگری است، جمعیت محروم ما از آن درآمد کسب می‌کنند. اینگونه نیست که هتل‌ها از سودشان برای بهتر شدن اوضاع ما و جامعهٔ ما استفاده کنند.» (٤٨)

بیاید این مورد را در سطح بالاتری از انتزاع در نظر بگیریم. گردشگری بین‌المللی (با «جاذبه» ضمنی دسترسی آسان به سکس یا رابطهٔ جنسی تجاری) با افزایش شمار دولت‌های جهان سوم، با تحریک و انگیزش سرمایه‌گذاران امپریالیستی و نهادهای مالی بین‌المللی به عنوان شکلی از رشد اقتصادی، به عنوان «اقدام توسعهٔ استراتژیک» در نظر گرفته شده است.

زنان جوان بسیاری که از بخش‌هایی که مستلزم برخی مهارت‌ها است حذف شده‌اند، در کنار کودکانی که با شرایط ناامیدکننده روبه رو هستند، در بخش گردشگری غیررسمی در پی شغل می‌گردند. و در بسیاری از کشورهای تحت‌سلطه، بخش غیررسمی گردشگری از صنعت «تجارت سکس» زنان

و کودکان تفکیک‌ناپذیر است. سرمایهٔ غربی که شامل هتل‌های زنجیره‌ای، خطوط هوایی و شرکت‌های حمل و نقل است و این فهرست بسیار بلندتر از این است؛ مزایای عظیمی از این «صنعت جهانی» بزرگ می‌برد؛ مزایایی که از انقیاد جنسی و تحقیر زنان استخراج می‌شود.

«گردشگری جنسی» یکی از مشخصه‌های کشورهای امپریالیستی نیز هست. «زنجیرهٔ تأمین» («مواد خام» جهانی) برای تن‌فروشی قانونی و نیمه قانونی در این کشورها اساساً تن‌فروش‌های خارجی را شامل می‌شود. در هلند که تن‌فروشی قانونی است و «گردشگری مرتبط با تن‌فروشی» بزرگ‌ترین «جاذبهٔ گردشگری» در پایتخت آن آمستردام است، تخمین زده می‌شود که ۶۰ تا ۷۵ درصد تن‌فروش‌های کشور را مهاجران شکل می‌دهند.

۳- بیزنس تن‌فروشی

اگر تن‌فروشی در جهان سوم، از مسیری که تحلیل شد به ویژه به واسطهٔ «گردشگری جنسی»، عادی‌سازی شده، این موضوع ابعاد جدیدتر و باز هم عادی‌تر در محل‌های معامله و سرگرمی‌های تجاری در کشورهای امپریالیستی به خود می‌گیرد؛ از توکیو تا شانگهای، از لندن تا شهرهای آمریکا مانند آتلانتا (که به شدت متکی به برگزاری سمینارهای بین‌المللی تجاری است) «تجارت تن‌فروشی» به میزان عظیمی رشد کرده و در شبکه بندی‌های تجاری بین‌المللی، بیش از پیش جایگاه مرکزی را به خود اختصاص داده است.

این بخش از «صنعت سکس» فحشا، کلوب‌های برهنه استریپ {برهنه شدن}، سالن‌های ماساژ و مراکز «گردشگری جنسی» جهانی را شامل می‌شود. این صنعت به عنوان یک شیوهٔ ویژه و منحصر به فرد در ایجاد اتحادهای مردانه در شکار فرصت‌های تجاری عمل می‌کند. این شیوه، در تمام سطوح و سلسله مراتب شرکت‌های بزرگ، تجسم امتیازطلبی مردانه است و آن را تقویت می‌کند. مطالعات مختلف دربارهٔ «موانع نامرئی»[1] به این مسئله اشاره

۱- glass-ceiling یا در معنای تحت‌الفظی آن سقف شیشه‌ای اصطلاحی است که برای اشاره به موانع اجتماعی استفاده می‌شود که در سر راه زنان برای پیشرفت‌های اجتماعی قرار دارد. این موانع عمدتاً نانوشته هستند، یعنی موانع از جنس قوانین ثبت شده علیه زنان نیستند بلکه بیشتر خصلت‌های اجتماعی و عرفی دارند. برای اشاره به

کرده‌اند که این آیین‌های نفرت‌انگیز جنسی، یکی از موانع عمده در دسترسی زنان به «شبکه‌های اجتماعی غیررسمی» است که برای پیشرفت‌های شغلی ضروری‌اند. (۵۰)

موانع سایر گروه‌های اجتماعی تحت ستم (عمدتاً اقلیت‌ها) نیز از این اصطلاح استفاده می‌شود. (م)

بخش نهم: فرهنگ انگلی، حق به جانبی خشن مردانه و تن‌فروشی جهانی شده

تحلیل ما در این مقالهٔ تحقیقاتی عمدتاً متمرکز بر جنبهٔ «(زنجیره) تأمین» در «صنعت سکس» جهانی بوده است. اما دربارهٔ جنبهٔ «تقاضای» رو به رشد، برای خرید تحقیر جنسی زنان و سلطهٔ جنسی بر آنان، که به هزار شکل عملی می‌شود، چه می‌دانیم؟ چه چیزی در این مورد مؤثر بوده و آن را شکل داده است؟ این پرسشی است به نوبهٔ خود مستلزم تحقیقات کامل‌تر و سنتز عمیق‌تر. آنچه در ادامه می‌آید برخی افکار و نشانگرهای اولیه برای بررسی بیشتر است.

سوالی تحریک‌آمیز توسط یک محقق استرالیایی دربارهٔ جهانی‌شدن و تن‌فروشی طرح می‌شود؛ او می‌نویسد:

«معمولاً در توضیح تن‌فروشی و ترافیک زنان که این تجارت را سازماندهی می‌کند، به فقر، بی‌جاشدگی و استیصال زنان اشاره می‌شود... اما به موازات این تحولات و توسعهٔ جهانی، چه چیزی موجب افزایش شمار مردانی شده (افزایشی که در پنجاه سال گذشته سرعت گرفته است) که طالب زنان تن‌فروش هستند؟ می‌دانیم که صنعت جهانی سکس در این دوره رشد گسترده‌ای کرده است؛ به عبارت دیگر، چه چیزی تقاضای مردان را برای خرید تن‌فروشان افزایش داده است... چه چیزی به ظهور این مد بین مردان انجامیده که خرید سکس می‌تواند مطلوب و منطقی باشد؟» (۵۱)

همانطور که این محقق اشاره می‌کند، ما با نوعی «ذات» بیولوژیک مردانه که رانهٔ جنسی است یا « تقاضای نهفته برای تن‌فروش» که در مردان مکنون است، سرو کار نداریم. این محقق به درستی متوجه چیزی شده که این گونه ثابت می‌کند: «تجارت پیش و پا افتادهٔ سکسِ زنان و کودکان، بر زمینهٔ زندگی هر روزهٔ مردان به عنوان مصرف‌کننده، یک واقعیت قرن بیست و یکمی است که نه جنبش‌های جنسیتی ضد برده‌داری قرن نوزدهم و نه جنبش‌های قرن

بیستم نتوانسته از آن جلوگیری کند.»(۵۲) البته استفادهٔ او از واژهٔ «پیش و پا افتاده» برای تأکید بر این است که بهره‌کشی جنسی زنان و خشونت علیه زنان به شدت تبدیل به روزمرگی و عادی‌سازی شده است.

باب آواکیان ابزارهای تحلیلی را فراهم کرده است که با آن‌ها می‌توانیم این موضوع را کشف و درک کنیم. او معمار تنها نوع انقلاب است، انقلابی که توسط کمونیسم نوین هدایت می‌شود و از طریق آن می‌توانیم این وضعیت را به صورت ریشه‌ای تغییر دهیم. کمونیسم نوین آزادی زنان را به مثابه مسئله‌ای مرکزی و سنگ محکی برای انقلاب در قرن ۲۱ برای رهایی بشر از هر شکلی از ستم و استثمار مطرح می‌کند.

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن «دو منسوخ» در تصادم با یکدیگرند: اقتصاد و فرهنگ منسوخ و قشر طبقهٔ حاکم در سیستم امپریالیستی؛ و بنیادگرایی‌های ارتجاعی که بازتاب جهان‌بینی قشر تاریخاً منسوخ در میان بشریت استعمار شده و تحت‌سلطه است.(۵۳) پورنوگرافی و حجاب به هم می‌رسند: دو شکل مدرن و قرون وسطایی انسان‌زدایی از زنان.

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که انگل‌وارگی و امتیاز در سرزمین‌های امپریالیستی به حد افراط رسیده است؛ مصرف‌گرایی اسرافی، سمی و کرخت کننده که شامل، «تفریح جنسی» پرزرق و برق است. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که «گردشگری جنسی» در جهان سوم، «صنعت توسعه» محسوب می‌شود.

همانطور که آواکیان تأکید کرده است، نیروهای اقتصادی زیربنایی و تغییرات و تعارضات عمیق اجتماعی- فرهنگی به طرق گوناگون خانوادهٔ مردسالار و روابط مردسالارانه را تحت فشار شدید قرار داده است.(۵٤) پیوندها و نقش‌های اجتماعی سنتی، هم در کشورهای امپریالیستی و هم در کشورهای تحت‌ستم، در هم شکسته است. زنان دهقان به کارگران مزدیِ فوق استثمار شده بدل شده‌اند که در کارخانه‌های الکترونیک یا پوشاک در مناطق صادرات محور جهان سوم کار می‌کنند. در آمریکا، زنانی که در نسل‌های قبلی به

صورت تمام وقت همسر و خانه‌دار بودند، اکنون در شمار بیشتری از مردان، فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند. خانوارها تغییر کرده اند: درآمد دوتایی، زنان سرپرست خانوار همراه با به چالش کشیده شدن سنت‌های جنسیتی در فرهنگ ها.

اما سازمان مردسالار جامعه مانند ظرف و پوستهٔ زرهی، این تغییرات اقتصادی و اجتماعی را مهار کرده و به آن حد می‌زند. این امر در هر دو نوع کشورهای امپریالیستی و تحت‌سلطه، هرچند با روش‌های متمایز اما عمیقاً مرتبط به یکدیگر، رخ می‌دهد وعلتش، به ویژه فرآیندهای جهانی سازی امپریالیستی و تبارزات فرهنگی آن است.

در این پرتو، چند نکتهٔ اندیشاری اضافی را برای تحقیقات بیشتر، پیش می گذارم:

-**«انتقام‌کشیِ مردانه»**[1] **در پاسخ به تضعیف و تحلیلِ اشکال سنتی و سابقاً پایدار کنترل پدرسالارانه بر زنان** – و احساس «از دست دادن جایگاه مردانه» در خانه، کار و در سطح جامعه. خشونت علیه زنان، از جمله تجاوز و تجاوز گروهی، در تلاش برای کسب مجدد برتری و امتیاز طلبی و حق به جانبی مردانه و «تنبه» کسانی که این امتیازات را به خطر می‌اندازند، نقش تامی ایفا می‌کند.

تولید انبوه، انتشار و مصرف پورنوگرافی در مقیاس جهانی ... ترافیک جنسی در این صنعت جهانی و پورنوگرافی نقش عظیمی در «آموزش دادن»، اجتماعی کردن و عادت دادن پسران جوان و مردان به آنچه مقبولیت عام دارد و واجد ارزش شمرده می‌شود دارد. به یک کلام، تقویت کالایی‌سازی و ابژه‌سازی زنان به حد افراط.

باب آواکیان توازی شدید و دردناکی را بین پورنوگرافی و «کارت پستال‌های به دارآویختن» ترسیم می‌کند. می‌دانید که این کارت پستال‌ها، حاوی تصاویر گرافیک از لینچ {دار زدن} مردان سیاه در اوایل قرن ۲۰ بود و به عنوان «هدیه و یادگاری» مجازات‌های سادیستی و قطع عضو فروخته می‌شد. پورنوگرافی،

1- Male revanchism

درست مانند همان کارت پستال‌ها، اعمال خشونت علیه افراد واقعی را عقلانی و لذت‌بخش جلوه می‌دهد.

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که، برای جوانان، پورنوگرافی منبع اصلی اطلاعات دربارهٔ سکس و رابطهٔ جنسی است -- به ویژه پسران جوانی که پورنوگرافی اینترنتی را می‌بینند، این نمایش جنسی را به عنوان یک چیز «واقعی» در نظر می‌گیرند. نمایشی که در آن رضایت، صمیمیت و برابری هیچ اهمیتی ندارد.

واقعیت چشم‌گیر دیگر: آمریکا در تولید، تکثیر و گسترش جهانیِ پورنوگرافی و عناصر غالب در آن (زن ستیزی، خشونت جنسی، نژادپرستی و فتح و تسخیر جنسی نواستعماری) نقش رهبری را داشته است. صنعت جهانی پورنوگرافی چیزی حدود ۹۷ میلیارد دلار درآمد دارد و آمریکا حدود ۶۰ درصد از وب سایت‌های پورنوگرافی جهان را در اختیار دارد.(۵۷)

- نقش اینترنت در تقویت تجارت جهانی زنان و کودکان: برای «گردشگری جنسی» و مراکز سکس در آمریکا و اروپای غربی، برای «بیزنس تن‌فروشی»، آژانس‌های محلی در تأمین اسکورت- فحشاء، «خدمات جنسی در مقابل خدمات اجتماعی» و غیره. ۱ و... . ارتباط سایبری، موجب «تحریک» تقاضا برای سکس تجاری و تأمین راه‌های دسترسی به آن شده است. در واقع اینترنت، به ویژه در کشورهای امپریالیستی، اصلی‌ترین وسیله‌ای است که پورنوگرافی را به مردان تحویل می‌دهد. فناوری سایبری تن‌فروشی و ترافیک جنسی را تسهیل کرده و آن را نقاب‌دار می‌کند.

وحشت، وحشت...

زنجیرها را بشکنید. خشم زنان را به مثابه نیرویی توانمند برای انقلاب رها کنید.

۱- compensated dating به قرار ملاقات هایی گفته می‌شود که بین مردان مسن و دختران جوان در ازای پول، یا مزایای اجتماعی صورت می‌گیرد.

منابع و توضیحات

*معمولا از تایوان و کره جنوبی به عنوان «معجزه های توسعه» نامبرده می‌شود که «کشورهای جدیداً در حال صنعتی شدن» و دیگر کشورهای جهان سوم باید از آن ها تقلید کنند. اما این ها موارد استثنایی هستند. توسعه اقتصادی-صنعتی تایوان و کرهٔ جنوبی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۵ به بعد، کاملا مرتبط است با نقش استراتژیک آن ها به عنوان دولت های «صف اول» برای جنگ سرد ایالات‌متحده در آسیا (به ویژه زمانی که این جنگ سرد برای مقابله با چین انقلابی تحت رهبری مائوتسه دون بود). تایوان و کره جنوبی دسترسی ویژه به کمک ها، وام ها، سرمایه‌گذاری ها و بازار ایالات‌متحده آمریکا داشتند زیرا آمریکا در حال ساختن آن ها به عنوان «دولت های تحت‌الحمایه» نواستعماری ممتاز خود بود. آن ها تبدیل به عرصه های مطلوب شرکت های فراملیتی آمریکایی و ژاپنی در سرمایه‌گذاری هایی که برای تغییر مکان صنایع شان می‌کردند، شدند. و این توسعهٔ سریع اقتصادی-صنعتی حول محور سرکوب وحشیانهٔ اهالی این کشورها توسط این دولت های تحت‌الحمایهٔ آمریکا جریان یافت. در این زمینه نگاه کنید به شماره ۲۶ در این منابع: «توسعه کرهٔ جنوبی و تایوان: چارچوب فراملیتی» نوشته جورج آسنیرو؛ «جدایی، یکی شدن دوباره و سیاست خارجی آمریکا» نوشته مارتین هارتلندزبرگ در «مانتلی ریویو: ۱۹۹۸)

1- باب آواکیان، «بیانیه برای سال جدید: نیاز عاجل به تغییر رادیکال جهان و برای رهایی بشریت» (ژانویه 2021)؛ «کالاها و سرمایه‌داری؛ و پیامدهای وحشتناک این سیستم: یک تشریح پایه‌ای»؛ «چرا جهان اینقدر بد است و برای تغییر رادیکال آن چه باید کرد: یک درک علمی پایه‌ای» .... مقاله‌ای از ریموند لوتا: «انگل‌وارگی امپریالیستی و تغییر در ترکیب طبقاتی-اجتماعی در ایالات‌متحده از دهه 1970 به این سو». تمام این مقاله به زبان انگلیسی در وبسایت نشریهٔ انقلاب و به فارسی در وبسایت حزب کمونیست ایران (م‌ل‌م) موجودند.

2- این تخمین 42-40 میلیون در مطالعات جامع در مورد تن‌فروشی در جهان توسط بنیاد زیر در پاریس انجام شده است:

Catherine Goldmann, *Current Assessment of the State of Prostitution*, 2013 (Paris: Scelles Foundation), p. 5

3. An early theorization of global prostitution as subject to forces of "industrialization" is found in Kathleen Barry, *The Prostitution of Sexuality* (New York: NYU Press, 1996).

4. International Labor Organization, "Sex Industry Assuming Massive Proportions in Southeast Asia," Press Release, August 19, 1998.

5. Brian M. Willis, Barry S. Levy, "Child prostitution: global health burden, research needs, and interventions," *The Lancet*, Vol 359, April 20, 2002, p. 1417; Patricia D. Levan, "Curtailing Thailand's Child Prostitution Through an International Conscience," *American University International Law Review*, Vol. 9, No. 3 (1994), pp. 869-70. In 2007, some 40 percent of Thailand's prostitutes were estimated to be under 18—see Ecpat, *Global Monitoring Status of Action against Commercial Sexual Exploitation of Children*, *Country report of Thailand*, 2011, p, 13. Willis and Levy cite studies estimating child prostitution in Brazil in the range of

100,000-500,000 at the turn of this century.

6. HIV and AIDS Data Hub for Asia-Pacific, *China*: *Sex Work and HIV/AIDS*, 2010, Table 1, p. 2.

7. International Labor Organization, *Global Estimates of Modern Slavery*: *Forced Labor and Forced Marriage* (Geneva: 2017).

8. International Organization for Migration, *Information Campaign Against Trafficking in Women from Ukraine-Research Report* (Geneva: 1998).

9. PICUM, *Safeguarding the Human Rights and Dignity of Undocumented Migrant Sex Workers* (Brussels: 2019), p. 9.

10. *Global Estimates of Modern Slavery*, pp. 9-11; more data and analysis is found in UN Office on Drugs and Crime, "Executive Summary," *Global Report on Trafficking in Persons*, 2020 (New York: 2020)

11. Channing May, *Transnational Crime and the Developing World* (Washington, D.C.: Global Financial Integrity, 2017), Table X1.

12. International Labor Organization, *Profits and Poverty*: *The Economics of Forced Labor* (Geneva: 2014), Table 2.1, p. 13.

13. Cited in Corinne Redfern, "The Living Hell of Young Girls Enslaved in Bangladesh's Brothels," *Guardian*, July 6, 2019; see also, Siddharth Kara, *Modern Slavery*: *A Global Perspective* (New York: Columbia University Press, 2017).

14. Polaris Project, "Hidden in Plain Sight: How Corporate Secrecy Facilitates Human Trafficking in Illegal Massage Parlors," April 2018, p. 1.

15. Cesar Chelala, "Child Trafficking: A Global Scourge," *The Globalist*, July 16, 2019.

16. Cara Kelly, "13 Sex traffficking statistics that explain the enormity of the global sex trade," *USA Today*, July 30, 2019.

17. Kate Geary, *Our Land Our Lives*: *Time Out on the Global Land Rush*, (Oxford, UK: Oxfam International, 2013). The small-farmer advocacy organization GRAIN.org maintains a data base of global landgrabbing. See also, Saskia Sassen, *Expulsions*: *Complexity and Brutality in the World Economy* (Cambridge: Belnap Press, 2014), chapter 2, "The New Global Market for Land." Analysis of land dispossession, resistance, and conflict is found in *The Journal of Peasant Studies*, including the special issue "The New Enclosures: Critical Perspectives on Corporate Land Deals" (Vol. 39, Issue 3-4, 2012) with articles on landgrabbing in Africa; and the special issue "Rural Land Dispossession in China and India" (Vol. 47, No. 6, 2020). On Thailand, Cambodia, and Myanmar, see Local Act Thailand, "Land Grabbing and Impacts to Small-Scale Farmers in Southeast Asia Sub-Region," (April 2015).

18. Geary, *Our Land Our Lives*.

19. See, for instance, Michael Levien, *Gender and Land Dispossession*: *A Comparative Analysis*, (New York: UN Women, 2017).

20. UNCTAD, *Enhancing the Contribution of Export-Processing Zones to the Sustainable*

Development Goals (New York: United Nations Publications, 2015), Preface.

21. For a street-level, investigative study, see Svati P. Shah, *Street Corner Secrets*: *Sex*, *Work and Migration in the City of Mumbai* (Durham: Duke University Press, 2014).

22. United Nations Office on Drugs and Crime, "Migrant Smuggling FAQs," 2018.

23. Raymond Lotta, "Imperialist Parasitism and Class-Social Recomposition in the U.S. From the 1970s to Today: An Exploration of Trends and Changes," revcom.us, March 22, 2021.

24. Aaron Benanav, "Automation and the Future of Work-2," *New Left Review* 120, Nov.-Dec. 2019, p. 119.

25. Important analysis of the differences from the Industrial Revolution is found in: C. Scherrer, "Superfluous Workers: Why SDG 8 [Sustainable Development Goals] Will Remain Elusive," in M. Kaltenborn, et al. (eds), *Sustainable Development Goals and Human Rights*, Volume 5, (Springer: 2020); and D. Rodrik, "Premature Deindustrialization," *Journal of Economic Growth*, Vol. 21, No. 1 (2016). The early capitalist-industrializing countries led by England also had a historically significant "safety-valve": mass immigration (after 1815) to North America and elsewhere to absorb surplus workers and moderate economic and social tensions and conflicts.

26. See, George Aseniero, "South Korean and Taiwanese Development: The Transnational Context," *Review* (Fernand Braudel Center), Vol. 17, No. 3 (Summer 1994); Martin Hart-Landsburg, *Korea*: *Division*, *Reunification*, *and U.S. Foreign Policy* (New York: Monthly Review Press, 1998).

27. International Labor Organization, "More than 60 percent of the world's employed are in the informal economy," Press Release, April 30, 2018.

28. Sassen, *Expulsions*, pp. 16, 89; see also "Conclusion."

29. Mike Davis, *Planet of Slums* (New York: Verso, 2006).

30. Data on cities: United Nations Department of Economic and Social Affairs, 2018 *Revision of World Urbanization Prospect* (New York, 2018); United Nations Statistics Division, "Sustainable Cities and Communities," (New York: United Nations Department of Economic and Social Affairs); UN Population Division, "World Urbanization Prospects," 2018 Revision; David Satterthwaite, "An Urbanizing World," International Institute for Environment and Development (London), April 9, 2020.

31. Aye's story is told in Kathryn Farr, *Sex Trafficking*: *The Global Market in Women and Children* (New York: Worth Publishers, 2005). Her actual name has been changed.

32. Mary's story from Adaobi Tricia Nwaubani, Kieran Guilbert, "Migrant Crisis Fuels Sex Trafficking of Nigerian Girls To Europe," Thomson Reuters Foundation, May 31, 2016. Her actual name has been changed.

33. See Chris Buckley and Ellen Barry, "Rohingya Women Flee Violence Only To Be Sold Into Marriage," the *New York Times*, August 2, 2015. The experiences of trafficked girls in Bangladesh's "brothel villages" is movingly told in Redfern, "The Living Hell of Young

Girls Enslaved in Bangladesh's Brothels"; see also, Tania Rashid, "Inside the Bangladeshi Brothels Where Rohingya Girls Are Suffering," *PBS NewsHour Report*, April 26, 2018.

34. Sheila Jeffreys, "Prostitution, Trafficking, and Feminism: An Update on the Debate," *Women's Studies International Forum*, 32 (2009), p. 319.

35. Sunsara Taylor, "Questions About 'Feminist Porn,' the Nature of Truth, 'Sex Work,' and Socialism Encountered on a Liberal Arts College Campus," *Revcom.us*, February 21, 2014.

36. The original passage on "Choices...And Radical Changes," is found in Bob Avakian, "More on Choices...And Radical Changes," revcom.us, January 28, 2013.

37. "Discourse Surrounding Prostitutional Propaganda Online: An Analysis," in *Sexual Exploitation*: *New Challenges*, *New Answers*, 5th Global Report (Paris: Scelles Foundation, 2019), p. 5.

38. Pamela Coke-Hamilton, "Illicit Trade Endangers the Environment, the Law, and the Sustainable Development Goals," (Geneva: UNCTAD, July 18. 2019).

39. Global Initiative Against Transnational Crime, *The Global Illicit Economy*: *Trajectories of Transnational Organized Crime* (Geneva: March 2021), p. 31.

40. *Global Illicit Economy*, p. 36.

41. Jean Pyle, "Sex, Maids, and Export Processing: Risks and Reasons For Gendered Global Production Networks," *International Journal of Politics*, *Culture*, *and Society*, Vol. 15, No. 1 (2001).

42. Palash Ghosh, "Prostitution Thriving in China: The Dark Underbelly of Economic Prosperity," *International Business Times*, May 7, 2013.

43. Sheila Jeffreys, *The Industrial Vagina*: *The Political Economy of the Global Sex Trade* (London: Routledge, 2008), pp. 107, 119. Jeffreys (pp. 118-19) discusses the prostitution system set up for the American military in the Philippines following World War 2 and the imposition of U.S. bases. The U.S. military institutionalized medical checks around the major U.S. naval and air force bases in order to facilitate prostitution (and "prostitution towns" that developed around the bases).

44. "American Crime, #8: America's War in Vietnam and the Sexual Subjugation of Women," revcom.us, March 4, 2021.

45. On the 1967 U.S.-Thai agreement, see Emily Nyen Chang, "Engagement Abroad: Enlisted Men, U.S. Military Policy and the Sex Industry," *Notre Dame Journal of Law*, *Ethics & Public Policy*, Vol. 15, No. 2 (2001), pp. 40-41.

46. Debra McNutt, "Privatizing Women," *Counterpunch*, July 11, 2007.

47. Jeffreys, *The Industrial Vagina*, pp. 130-32, emphasis added.

48. *Island Outpostings*, "Interview: Nicole Dennis-Benn's Debut Novel is a Love Letter to Jamaica."

49. Anna Tokar, et al., "'I don't want anyone to know': Experiences of obtaining access to

HIV testing by Eastern European, non-European Union sex workers in Amsterdam, the Netherlands," *PloS One*, 15(7), July 7, 2020.

50. See, for instance, Sheila Jeffreys, "The Sex Industry and Business Practice: An Obstacle to Women's Equality," *Women's Studies International Forum*, Vol. 3, No. 3 (May 2010). Jeffreys cites studies showing that 40 percent of strip-club spending in major U.S. markets is for business purposes.

51. Caroline Norma, "Globalization and Prostitution," Entry in *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance* (Springer International Publishing, 2018); emphasis added.

52. Norma, "Globalization and Prostitution."

53. See Bob Avakian, "From *Bringing Forward Another Way*: Bob Avakian on The Two "Historically Outmodeds," revcom.us, December 4, 2015.

54. See Bob Avakian, *New Year's Statement* 2021; and Raymond Lotta, *Imperialist Parasitism and Class-Social Recomposition*, Section 6. Available at revcom.us.

55. "More Postcards of the Hanging—The Horrors Perpetrated Against Women Under This System," From *Sampler Edition*: *Break ALL the Chains*! *Bob Avakian on the Emancipation of Women and the Communist Revolution*, pp. 7-9. Available at revcom.us.

56. Maggie Jones, "What Teenagers are Learning From Online Porn," *The New York Times*, February 7, 2018; Peggy Orenstein, "If You Ignore Porn, You Aren't Teaching Sex Education," the *New York Times*, June 24, 2021; Sandra Laville, "Most boys think online pornography is realistic, finds study," *The Guardian*, June 14, 2016.

57. NBC News, "Things are Looking Up in America's Porn Industry," January 20, 2015; Felix Richter, "60 Percent of Porn Websites are Hosted in the U.S.," *Statista*, August 21, 2013.

Follow: @TheRevcoms
Read: www.revcom.us
Watch: youtube.com/TheRevComs

دختران در یک روسپی‌خانه در بنگلادش. از بین ۱۴۰۰۰۰ زن و دختر تن‌فروش در بنگلادش، اکثریت عظیم آنها کسانی هستند که ترافیک شده‌اند و به بردگی کشیده شده‌اند

Photo: Allison Joyce

زنان در روسپی‌خانه‌ای در کلکته، هند،۲۰۱۳ :Photo

AP

زنان اوگاندایی در فرودگاه نایروبی در کنیا متوقف شده‌اند، چرا که مدارک استخدامی ندارند. آنها قربانیان یک شبکهٔ قاچاق انسان در آفریقای شرقی بودند.

Photo: Institute for Security Studies

زنی در کلمبیا در مزرعهٔ پرورش رز، برای صادرات به آمریکا

Photo: AP

منطقهٔ «چراغ قرمز» در بمبئی، هند، ۲۰۱۳
Photo: Wikimedia Commons

افسران شبه نظامی در ژیامن در جنوب شرقی چین دختران و زنان جوان را بازداشت کرده است. این‌ها همزمان با نفرات دیگری دستگیر شدند که جلوی یک عملیات ترافیک زنان به تایوان گرفته شده است.۲۰۱۳
Photo: AP/Chinatopix

خانواده‌ای که کنار جاده ای در آسام (ایالتی در هند) پناه گرفته‌اند؛ عکس مربوط به پس از باران موسمی شدیدی است که موجب سیل و رانش زمینی شد و میلیون‌ها نفر را در سراسر هند، نپال و بنگلادش آواره کرد. ۱۵ آگوست ۲۰۱۷

زن ۱۷ ساله روهینگیایی که از به اصطلاح «روستاهای روسپی‌کدهٔ» بنگلادش با قایق به میانمار فرار کرده است.

گورهای بی‌نام زنانی که درگیر در «کار جنسی» بودند- میمینسینگ Mymensingh در بنگلادش.
Photo: Allison Joyce

زن جوان بنگلادشی که وقتی که ۹ سال داشت ترافیک شد و زمانی که تنها ۱۳ ساله بود به یک روسپی‌خانه فروخته شد.

زنی نیجریه‌ای که به بورکینافاسو ترافیک شده است و در شهرک‌های معادن طلای شهر سکاکو، وادار به تن‌فروشی شده. او در میان چادرهای اردوگاهی که تن‌فروشان زندگی می کنند، قدم می‌زند. آن‌ها وادار می شوند که هر شب با بیش از سی مرد سکس داشته باشند.

زنان در روسپی‌خانه در ماکائو چین

مرکزی بزرگ برای «گردشگری جنسی» که به عنوان «لاس وگاس شرق» معرفی و تبلیغ می‌شود.

زنان کارگر از پاافتاده در محل کار خود در کارخانه ای واقع در دانگوان چین؛ کارخانه ای که وبکم و سایر تجهیزات را برای مایکروسافت می‌سازد.

Photo: The National Labor Committee

یک سرباز ارتش آمریکا در حال عبور از روسپی‌خانه‌ای در ویتنام جنوبی. طی ۱۰ سال جنگ نسل‌کشانهٔ آمریکا در ویتنام (۱۹۷۵-۱۹٦۵)، بین ٤۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار زن و دختر ویتنامی تن‌فروش شدند.

هند: قرنطینه وسیع ناشی از ویروس کرونا موجب شده که زنان تن‌فروش با بدهی‌های مالی باز هم سهمگین‌تری مواجه شوند.

هند: زنان تن‌فروش در صف اعانه مواد غذایی در منطقهٔ «چراغ قرمز» "red light" کاماتوپورا Kamathipura در بمبئی، هند
Photo: PTI ۲۰۲۰

زنان در حال اعتراض به اخراج از اتاق‌هایشان در منطقهٔ «چراغ قرمز» در دهلی نو، هند، ۲۰۰۳. آن‌ها جهت پنهان کردن هویت‌شان چهره‌های خود را پوشانده‌اند. روی بنر در پس‌زمینه نوشته شده: آیندهٔ این ده‌ها هزار زن چیست؟

Photo: AP/Gurinder Osan

مکزیک: تن‌فروشان در مکزیکو سیتی، که اصالتاً از هندوراس هستند، یک وعدهٔ غذایی ناچیز را قسمت می‌کنند؛ یکی از زنان گفت از ۱۲ سالگی تن‌فروش شده است.

Photo: AP/Rebecca Blackwell

پرو : «کارگران جنسی» ترانس در کلبه‌ای که با دیگر افراد در محلهٔ سن ژوان میرافلورس San Juan de Miraflores واقع در لیما زندگی می‌کنند. ۲۰۲۰
Photo: AP/Martin Mejia؛

نیجیریه: دو زن که از نیجیریه برای تن‌فروشی به بورکینافاسو ترافیک شده‌اند- بورکینافاسو یعنی جایی که برنامه‌ریزی کرده بودند که از دست کسانی که آنها را ترافیک کرده‌اند فرار کنند، اما مجبور شدند برای به دست آوردن پول کافی جهت بازگشت به کشورشان، به روسپیگری ادامه دهند.
Photo: AP/Sam Mednic

نیجیریه: زنان نیجریه‌ای که برای تن فروشی با اجبار ترافیک شدند؛ پارک ونسن در حومهٔ پاریس، فرانسه

نیجریه: زنان نیجریه‌ای که برای تن فروشی به اجبار ترافیک شدند و در حومه‌های پاریس در فرانسه زندگی می‌کنند. ده‌ها هزار زن و کودک نیجریه‌ای به سراسر اروپا و دیگر نقاط جهان ترافیک شده‌اند.

آفریقای جنوبی: دو زن که با یکدیگر دوست هستند، در یک اتاق مشترک زندگی می‌کنند و خدمات جنسی در خیابان ها در شهر کیپ تون Cape Town در افریقای جنوبی، می‌فروشند، ۲۰۰۹

Photo: AP

زیمباوه: تن فروش‌ها در خیابان هراره، زیمباوه، ۲۰۲۰

AP/Tsvangirayi Mukwazhi

زنان تن‌فروش در پنام پن، کامبوج، ۲۰۰۲
Photo: AP/David Longstreath

تایلند: تن‌فروشانی که در «صنعت سکس» در تایلند کار می‌کنند
Photo: AP

انتشارات حزب کمونیست ایران (م ل م)